



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

شرح مختصری بر  
دعاء صحیفہ کاملہ سجادینہ

پدیدآورنده :

سید عبدالحسین طیب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# شرح مختصری بر دعاء صحیفه کامله سجادیه

نویسنده:

عبدالحسین طیب

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	شرح مختصری بر دعاء صحیفه کامله سجادیه
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۹	(من حجب الغیوب)
۹	(و رماها عن قوس المنایا باسهم وحشۀ الفراق)
۹	(الارواح جنود مجنّده فما تألف منها ائتلف و ما تناکر منها اختلف)
۱۰	(و كانت القبور هی الماوی الی میقات یوم التلاق)
۱۰	(اللهم صل علی محمد و آله و بارک لنا فی حلول دار البلاء)
۱۰	(و طول المقامه بین اطباق الشری)
۱۱	(و اجعل القبور بعد فراق الدنیا خیر منازلها)
۱۱	(و افتح لنا برحمتک فی ضیق ملاحدنا)
۱۱	(هاؤم اقرءوا کتابیه)
۱۲	(خذوه و غلوه و فی سلسلۀ زرعها زراعا فاسلکوه)
۱۲	اشاره
۱۲	از برای دوستی سه مرحله گفته‌اند :
۱۳	(کما بلغ رسالتک)
۱۳	(و نصح لعبادک)
۱۳	(تخلّقوا باخلاق اللّٰه)
۱۴	(و امکنهم منک شفاعۀ)
۱۵	(و ارفع درجته)
۱۷	بسم اللّٰه الرحمن الرحیم خاتمه مشتمل بر اموریست :
۱۹	الصحیفۀ السجادیۀ

- ۲۱ ..... الصحیفه السجادیة / ترجمه آیتی
- ۲۱ ..... [۱] دعای آن حضرت است پس از ختم قرآن.
- ۲۳ ..... (و زواجر امثاله الخ)
- ۲۳ ..... (التي ضعفت الجبال الرواسی علی صلابتها)
- ۲۴ ..... (اللهم صل علی محمد و آله و ادم بالقرآن صلاح ظاهرنا و احجب به خطرات الوسوس عن صحنه ضمائرنا)
- ۲۵ ..... (و أرو به فی موقف العرض علیک ظمأ هو اجرنا)
- ۲۵ ..... (اللهم صل علی محمد و آله و اجبر بالقرآن خلتنا من عدم الاملاق)
- ۲۵ ..... (الفقر سواد الوجه فی الدارين)
- ۲۶ ..... (ذلک فضل من اللّٰه)
- ۲۶ ..... (و لنا فی الدنيا عن سخطک و تعدی حدودک ذاتدا)
- ۲۸ ..... (و قیل من راق)
- ۲۸ ..... (و تجلی ملک الموت)
- ۲۸ ..... (و من نزعات الشیطان و خطرات الوسوس حارسا)
- ۲۹ ..... (و سلما نعرج فیہ الی محل السلامة)
- ۲۹ ..... (و سببا نجزی به النجاة فی عرصه القیمه)
- ۳۰ ..... (و هب لنا حسن شمائل الأبرار)
- ۳۰ ..... (و ذریعة تقدم بها علی نعیم دار المقامة)
- ۳۰ ..... (اللهم صل علی محمد و آله و احطط بالقرآن عنا ثقل الاوزار)
- ۳۰ ..... (و اقف بنا الخ)
- ۳۱ ..... (و تقفو بنا آثار الذین استضاء بنوره)
- ۳۱ ..... (و لم یلههم الامل عن العمل فیقطعهم بخدع غروره)
- ۳۱ ..... (و لا لسنتنا عن الخوض فی الباطل من غیر ما آفة مخرسا)
- ۳۱ ..... (حتی توصل الینا فهم عجائبه)
- ۳۲ ..... (و اجعل القرآن وسیلة لنا الی اشرف منازل الکرامه)

- ۳۲ ..... (اللهم و كما نصبت به محمدا علما للدلالة عليك و انهجت بأله سبل الرضا اليك فصل علي محمد و آله)
- ۳۲ ..... (و لا يلمس الهدى في غيره)
- ۳۲ ..... (الناس نيام فاذا ماتوا انتبهوا)
- ۳۲ ..... (و يستصبح بمصباحه)
- ۳۳ ..... (و يقتدى يتبلج اسفاره)
- ۳۳ ..... (و يهتدى بضوء صباحه)
- ۳۳ ..... (و يسكن في ظل جناحه)
- ۳۴ ..... (و يأوى من المتشابهات الى حرز معقله)
- ۳۴ ..... (اللهم صل علي محمد و آله و اجعلنا ممن يعتصم بحبله)
- ۳۴ ..... (و لا يختلجنا الزيف عن قصار طريقه)
- ۳۴ ..... یکی از اسامی قرآن فرقان است
- ۳۵ ..... و یکی از اسامی قرآن کتاب است
- ۴۰ ..... درباره مرکز

## شرح مختصری بر دعاء صحیفه کامله سجادیه

## مشخصات کتاب

پدیدآورنده: سید عبدالحسین طیب

ناشر: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## مقدمه

بسمه تعالی الحمد لولیه و الصلاه و السلام علی رسوله و آله و اللعن علی اعدائه الی یوم لقاؤه.

اما بعد نظر به اینکه در اخبار ادعیه‌ای وارد شد نزد ختم قرآن که افضل و اکمل و اصح آنها دعا صحیفه کامله سجادیه است دوست داشتم پس از ختم تفسیر- اطیب البیان در چهارده مجلد شرح مختصری از این دعاء بنگارم که مؤمنین از فیض آن بی بهره نباشند لذا مینگارم

قوله علیه السلام بسم الله الرحمن الرحيم (اللهم انک اعنتنی علی ختم کتابک).

(ترجمه) پروردگار من محققا تو مرا کمک و اعانت فرمودی بر ختم تلاوت کتاب خود (شرح) انسان در هیچ امری مستقل نیست چه در امور غیر اختیاریه که از تحت قدرت او خارج است و چه در افعال اختیاریه که محتاج است باعانت الهیه که میفرماید

الذی انزلته نورا و جعلته مهیما علی کل کتاب انزلته و فضله علی کل حدیث قصصه

ما قَطَعْتُمْ مِنْ لَیْنِهِ اَوْ تَرَكْتُمْوهَا قَائِمَةً عَلٰی اُصُولِهَا فَاِذَنْ اللّٰهُ حَشْرَ آیة ۵- و بسیاری از آیات دیگر بالاخص توفیق ایمان و هدایت و عبادات که الهامات ملائکه و تأییدات الهی و عنایات پروردگاری انسان موفق میشود بالاخص بتلاوت کتاب- الله که هر آیه و سوره آن چه اندازه اجر و ثواب دارد که در اوائل هر سوره اشاره شده چه رسد بتمام قرآن و ختم آن از باء بسم الله تا سین و الناس (اعنتنی علی ختم کتابک)

اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۲۹۵

سپس در مقام فضائل و صفات و شئون قرآن میفرماید.

(الذی انزلته نورا)

اشاره بآیه شریفه است که فرمود فَاَمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِیْ اَنْزَلْنَا تَغَابِنِ آیة ۸- و نور بودن قرآن قلب را روشن میکند راه حق را نشان میدهد حق را از باطل جدا میکند فردای قیامت اهل خود را به بهشت ببرد، نامه عمل را سفید میکند بهر آیه یک درجه در بهشت بالا میبرد که بقاری او میگویند (اقرء و ترق).

(و جعلته مهیما علی کل کتاب انزلته)

که اگر قرآن نبود ما هیچ دلیلی بر نبوت احدی از انبیاء نداشتیم و خبری از کتب و صحائف آنها در دست نبود نه صحف آدم و نوح و شیت و ابراهیم و نه توریه موسی و زبور داود و انجیل عیسی و این توریه رایج دست یهود و اناجیل اربعه نصاری و کتب عهد قدیم و عهد جدید که در دست آنها است اکثر آنها کفریات و مزخرفات و نسبتهای زشت بانبیاء و ساحت قدس انبیاء از این کتب بری و عریست، قرآن مجید که شئون آنها را و کتب آنها را پاک میکند میفرماید

(مهیما علی کل کتاب انزلته).

(و فضله علی کل حدیث قصصه)



اما افضلیت قرآن برای جهاتیت است که در آن هست یکی معجزه باقیه تا دامنه قیامت دیگر مشتمل بر هر رطب و یابس و لا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ انعام آیه ۶۰- دیگر هدایت به بهترین راهها إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ اسراء آیه ۹. و جهات دیگر که در مقدمه تذکر داده‌ایم و احادیث و قصص آن شرح قصص آدم و نوح و شیث و ابراهیم و اسحق و یعقوب و لوط و شعیب و یوسف و موسی و هارون و داود و سلیمان و ایوب و ذکریا و یحیی و مریم و عیسی و شرح حال قوم آنها و نجات مؤمنین بآنها و هلاکت مخالفین و کافرین بآنها و سایر قصص قرآنی اگر مقایسه کنید با قصص این توریه و زبور و اناجیل رایج یا با قصص رستم و افراسیاب و الف لیلی و حسین کرد و هزار داستان و با مجلات و روزنامه‌ها و سایر کتب قصص و با کتب شعراء بلکه با قوانین و دستورات امروزه که هیچ طرف نسبت نیست بالجمله همین نحوی که اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۲۹۶ و فرقانا فرقت به بین حلالک و حرامک و قرآنا اعربت به عن شرایح احکامک و کتابا فصلته لعبادک تفضیلا خدای متعال چه نسبت. با مخلوقات دارد کلام او هم چه نسبت با کلام آنها دارد. (و فرقانا فرقت به بین حلالک و حرامک)

### (من حجب الغیوب)

تو در حجاب بودی و بر تو غائب بودم حتی خیال میکردی که من نبودم و نیستم و مرگ دامن ترا نمیگیرد

### (و رماها عن قوس المنايا باسهم وحشه الفراق)

چنانچه بر اصحاب فیل مثل طیر ابابیل با حجاره سجیل بر فرق آنها پس مثل علف جویده ریختند و در جنگ بدر بیاری مؤمنین آمدند که میفرماید إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمَدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ بَلَىٰ إِنَّ تَصْدِيرَهُمْ وَتَتَّقُوا وَ يَأْتُوَكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلاَفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ آل عمران ۱۲۰ و ۱۲۱ و بچسبانند و بریزند در حنجر او کاس و لیوان که مسمومه است در مذاق آن که موجب مرگ میشود، سم زهر است که انسان را بفوریت تلف میکند و زهر مرگ بدست ملک الموت است و نزدیک میکند ما را بسوی آخرت مثل مسافری که کوچ میکند از منزل بمنزل دیگر و این منزل را رها میکند و منزل دیگر میگیرد از شیخ بهائیت که گفت (الانسان مسافر و منازل سه‌تة) شش منزل باید طی کند از صلب آباء برحم امهات و از رحم دنیا و از دنیا بعالم برزخ و از آنجا به محشر و از محشر ببهشت یا جهنم (اقول منازل بسیار قبل از اصلاب دارد اول خلقت ارواح که فرمودند

(خلقت الارواح قبل الاجساد بالفی عام)

و فرمودند اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۲۳

و صارت الاعمال قلائد فی الاعناق و كانت القبور هی الماوی الی میقات یوم التلاق

### (الارواح جنود مجنده فما تألف منها اتلف و ما تناکر منها اختلف).

پس از آن از خاک که فرمود مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى طه آیه ۵۷- سپس در مأکولات آباء و تطورات بسیاری تا نطفه شود و در ارحام امهات منازل طی گردید از علقه و مضغه و عظام و لحوم و صورت بندی و تعلق روح تا خارج شدید و در دنیا هم مراحل طی گردید تا از دنیا رفتید و پس از مردن روح شما را بردند در پیشگاه احدیت که در دنیا چه کردید که میفرماید

(اذا مات ابن آدم یقول الناس ما خلف و یقول الملائکه ما قدم) سپس در قبر تعلق ببدن همان روح انسانی نه حیوانی و نباتی برای

سؤال قبر سپس بقالب مثالی یا وادی السلام با مؤمنین یا برهوت با کفار و در محشر هم مراحلی باید طی کند تا عاقبت کارش بکجا بکشد یا جنه النعیم یا جهنم و عذاب و اعمال بندگان در دنیا خوب و بد آنها قلابه میگردد بگردنشان و قبر جایگاه آنها است تا قیامت که میقات آنها است در یوم طلاق که یکی از اسماء روز قیامت است اشاره بآیه شریفه میفرماید وَكُلِّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشُورًا، اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا مِنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدَىٰ لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ اسری آیه ۱۴ الی ۱۶- و این همان نامه عمل است که رقیب و عتید نوشته‌اند و این نامه اگر بدست راست رسید نجات است و اگر بدست چپ یا از پشت برسد هلاکت است که میفرماید فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا وَيَنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِ مَسْرُورًا وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا وَيَصْلَىٰ سَعِيرًا انشقاق آیه ۷ الی ۱۲- و نیز میفرماید فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَذَا مَا آقَرُؤُا كِتَابِيَهٗ اِلَىٰ قَوْلِهِ تَعَالَىٰ وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ وَلَمْ أُدْرِ مَا حِسَابِيَهٗ اِلَا يَهٗ الْحَاقَهُ آیه ۱۹ الی ۲۶

### (و كانت القبور هي الماوی الی میقات یوم التلاق.)

اما قبر در حدیث است

(القبر اما روضه من ریاض الجنه او حفرة من حفر النیران)

أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۲۴

و بارک لنا فی حلول دار البلی و طول المقامه بین اطباق الشری و اجعل القبور بعد فراق الدنیا خیر منازلنا و افتح لنا برحمتک فی ضیق ملاحظنا

اما بر مؤمنین دری از بالای سر ببهشت باز میشود و همه روزه ملائکه با تحف و هدایا وارد میشوند و اما بر غیر مؤمنین دری از پای قبر بجهنم باز میشود و ملائکه عذاب با عمود و تازیانه بر او وارد میشوند و روح انسانی از او جدا نمیشود و لو بقالب مثالی تعلق بگیرد و سیر کند در وادی السلام یا برهوت نذیر خواب که روح سیر دارد و از بدن خارج هم نیست و این در قبر هست تا موقعی که صور دوم دمیده میشود و تمام دفعه واحده از قبرها خارج میشوند که میفرماید وَ مَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصِيرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ نحل آیه ۷۹ و یوم التلاق روزیست که تمام یکدیگر را ملاقات میکنند اهل بهشت اهل جهنم را می‌بینند و بالعکس و با یک دیگر مکالمه دارند، رؤسا و اکابر اتباع را مشاهده میکنند و بالعکس و با یکدیگر محاجه میکنند

### (اللهم صل علی محمد و آلہ و بارک لنا فی حلول دار البلاء)

پس از ذکر صلوات می‌گویی پروردگارا مبارک فرما برکات خود را از برای ما در موقعی که حلول میکنیم در دار پاشیده و بهم ریخته که قبر باشد که در آنجا اعضاء بدن از هم پاشیده میشود و اجزاء آن پوسیده و ریخته و خاک میشود و برکات الهی در قبر بسیار است قبر روضه‌ایست از ریاض جنت، توسعه پیدا کند بمقدار مد بصر، ملائکه رحمت با تحف و هدایا بر او وارد شوند بشارات باو دهند، سؤال قبر بر آن آسان شود و بالجمله قبر منزل مبارک میمون باشد نه حفرة از حفر نیران و تنگ شود و تاریک و مملو از آتش

### (و طول المقامه بین اطباق الشری)

و قبری که طول میکشد مقام در این زیر طبقات خاک در لحد تا قیام قیامت که میفرماید:

وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ مؤنون آیه ۱۰۲

**(واجل القبور بعد فراق الدنيا خير منازلها)**

نسبت بمنازل الدنيا و لو در قصرهای ده طبقه بلکه بیشتر و بر فرشهای ابریشمی و تختها و کرسیهای زرنگار و ائاثیه آراسته و پیشخدمتهای کمر بسته و خانمهای زیبا آرایش کرده باشد، قبر بهترین این منازل باشد اما منازل بعد القبر در عالم آخرت البته بالاتر و بهتر از منزل قبر باشد

**(و افتح لنا برحمتك في ضيق ملاحدنا)**

أطيب البيان في تفسير القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۲۵

و لا تفضحنا في حاضری القيامة بموبقات ائاثنا و ثبت به عند اضطراب جسر جهنم يوم المجاز عليها زلل اقدامنا.  
و نور به قبل البعث سدف قبورنا

و توسعه ده و باز فرما برای ما تنگی لحدهای ما را (تنبیه) اگر قبر توسعه پیدا کند و روشن شود و روح و ریحان داخل شود و بهترین منازل گردد کاشف از اینکه پس از قبر هم راحتی و آسایش و سعادت و رستگاری و بهشت و نعم الهی را هم دارد و لا عکس زیرا ممکن است بواسطه پاره‌ای اشخاص در قبر و عالم برزخ معذب و گرفتار باشند و بواسطه ایمان در قیامت مورد شفاعت و مغفرت و عفو الهی شوند لذا در خبر است که فرمودند بمؤمنین که شما در فکر قبر و عالم برزخ باشید ما در قیامت شما را شفاعت میکنیم (برگ عیشی بگور خویش فرست، کس نیارد ز پس تو پیش فرست) و ما را مفتضح مفرما در نزد حاضرین در قیامت بعدابهای معاصی را به اینکه معاصی که در نامه عمل ما است محو فرمایی و بجای آنها حسنات ثبت فرمایی و ما چنان کسانی باشیم که فرموده‌ای فَأُولَئِكَ يُدَلُّ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ فَرَقَانِ آیه ۷۰ و از کسانی باشیم که فردای قیامت بجمع حاضر بگوئیم

**(هاؤم اقرءوا کتابیه)**

الحاقه آیه ۱۹ و ما را داخل در اصحاب یمین فرما و در خدمت اولیاء خود و اعمال ما را از نظر شهود ببر که احدی نباشد که شهادت دهد بمعاصی ما فقط خود میدانی و بس و همین کافیسست بر شرمندگی و خجالت ما

و ارحم بالقرآن فی موقف العرض علیک ذل مقامنا

و رحم فرما بیرکت تلاوت قرآن در موقعی که در پیش گاه عرش ما را بر تو عرضه میدارند، ذلت و خفه و سربریزی و خجالت و شرمندگی ما را و از اعمال و کردار و رفتار ما صرف نظر فرما که سخت ترین مواقف قیامت این موقف است.

در حدیث دارد که برای جهنم هفت ایستگاه است در هر یک بازپرسی میکنند ۱- از ولایت ۲- از صلوٰه ۳- از زکاة ۴- از صوم ۵- از حج ۶- از امر بمعروف و نهی از منکر ۷- از مظالم و اشخاصی که بر صراط عبور میکنند بعضی کالبرق الخاطف بعضی سواره

بعضی پیاده بعضی نشسته بعضی لغزش دارند و در جهنم میافتند بعضی أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۲۶

و نجنا به من کل کرب يوم القيامة و شدائد احوال يوم الطامة و بیض و جوهنا يوم تسود و جوه الظلمه فی يوم الحسرة و الندامة

اصلا بر صراط عبور نمیکنند و در عذاب میافتند و روشن و نورانی فرما بیرکت قرآن قبل از بعثت در قیامت که عالم برزخ است بین دنیا و آخرت که می فرمایی و مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ مؤمنون آیه ۱۰۲ تاریکی و ظلمت قبرهای ما را، نورانیت قبر بنور ایمان و ولایت و اعمال صالحه است مثل نماز و سایر عبادات و ظلمت قبر بظلمت کفر و ضلالت و معاصی الهیست و تمام از برکات قرآن است و از مخالفت قرآن عمل بر طبقش نورانیت میآورد و مخالفتش ظلمت تولید خواهد کرد.

و نجات ده ما را به این قرآن از اندوه و مشقت روز قیامت و سختیهای احوال روز طامه یکی از اسامی قیامت طامه الکبری است و

طامه بلا- و معصیت است که استیلا- پیدا میکند و تمام اطراف آن را احاطه کرده و کرب گرفتاریهای محشر و شدائد احوال و سختی‌های حالات انسانست و کروب و شدائد احوال روز قیامت بسیار است از آن آنی که از قبر خارج شود خطاب

### (خزوه و غلوه و فی سلسله زرعها فاسلکوه)

#### اشاره

تا پای حساب سختیهای حساب و پای میزان و حرارت زمین محشر و روی سیاه و سایر عقبات قیامت که میفرماید (للقیامه خمسين موقفا كل موقف مقام الف سنه ثم تلی فی یوم کان مقداره خمسين الف سنه) بگویی پروردگارا از برکت قرآن ما را از تمام این کروب و رذائل نجات عنایت فرما که هیچ گونه وحشت و اضطرابی نداشته باشیم.

اشاره بآیه شریفه (يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهُ وُجُوهُ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهُ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ وَ أَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ) آل عمران ۱۰۲ و ۱۰۳ و مراد از ظلمه سه نوع ظلم داریم، ظلم بدین، ظلم بغیر، ظلم بنفس، ظلم بدین کفر و شرک و ضلالت و بدعت و انکار ضروریات دین و مذهب است ظلم بغیر ظلم در حق انبیاء و ائمه و مؤمنین است و ظلم بنفس ارتکاب معاصی کبار که موجب استحقاق عذاب شود و هر سه قسم با صورت سیاه اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۲۷

و اجل لنا فی صدور المؤمنین ودا و لا تجعل الحیاة علینا نکدا اللهم صل علی محمد عبدک و رسولک کما بلغ رسالتک و صدع بامرک و نصح لعبادک

وارد محشر میشوند، می گویی پروردگارا ما را از این سه دسته قرار مده داخل در مؤمنین که بدون گناه وارد محشر شویم و احدی بر ما حقی نداشته باشد و باحدی ظلم نکرده باشیم، آیا کسانی که جمیع سه قسم ظلم را نموده باشند مثل معاندین ائمه طاهرین از خلفاء سه گانه و بنی امیه و بنی العباس و اتباع آنها با چه صورتی وارد میشوند، و یکی از اسامی قیامت یوم الحسرة و الندامه است. زیرا تمام اهل محشر نیک و بد آنها حسرت و ندامت دارند، اما نیکان برای اینکه چرا در دنیا بیشتر و زیادتر کوشش در تکمیل ایمان و تهذیب اخلاق و اطاعت در عبادت نکردیم تا مشمول بیشتر از تفضلات الهی شویم و اما بدان چرا ایمان نیاوردیم و از اخلاق رذیله نکردیم و امثال اوامر الهی نمودیم و مرتکب معاصی شدیم و مقرر فرما از برای ما در قلوب مؤمنین محبت و دوستی را و قرار مده معیشت ما را سخت و دشوار، اما محبت در قلوب اهل ایمان منوط بایمان و عمل صالح است چنانچه میفرماید إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا زخرف آیه ۹۶ و نیز میفرماید الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ زخرف آیه ۶۷ و دوستی و عداوت فرع معرفت است

#### از برای دوستی سه مرحله گفته اند :

- ۱- اینکه طرف را فقط دوست دارد مثل دو رفیق.
- ۲- اینکه دوستان او را هم دوست دارد.
- ۳- اینکه دشمنان او را دشمن دارد، و حب و بغض بالاخص نسبت بذوی القربی که مزد رسالت پیغمبر (ص) است جزو ایمان میباشد که مسئله تبری و تولی است که نفس دوستی این خاندان و دشمنی دشمنان آنها داخل در ایمانست بلکه جزو اصل ایمانست که بدون او ایمان تحقق پیدا نمیکند چنانچه راوی سؤال کرد از حضرت صادق (ع) که (هل الحب و البغض من الایمان) حضرت

فرمود

(هل الايمان الا الحب و البغض)

و اما اظهار دوستی و دشمنی جزو فروع دین است و واجب است و معنی اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۲۸

اللهم اجعل نبینا صلواتک علیه و علی آله یوم القیامه اقرب النبین منک مجلسا

تبری و تولی است و اما زندگانی نکند فقر و فاقه و امراض و بلیات و ضیق معیشت و غرق دنیا و هوای نفس و اطاعت شیطانست که بدترین زندگانست و اما دنیایی که وسیله آخرت باشد بهترین زندگانست که او را دنیای بلاغ گفتند چون تحصیل آخرت منحصر بهمین حیاة چهار روزه دنیویست از سن تکلیف تا موت مقام عبودیت بالاتر از مقام رسالت است زیرا حقیقت عبودیت اینست که خردلی از فرمان مولی بیرون نرود که مقام عصمت است و خداوند بشیطان میفرماید إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ حجر آیه ۴۲ و در تشهد نماز هم مقدم ذکر شده و مقام رسالت هم ذی مراتب است تا مقام اولو العزمی آنهم ذی مراتب است تا مقام خاتمیت که بر سراسر دنیا جن و انس تا دامنه قیامت

### (کما بلغ رسالتک)

از دعوت بتوحید تا آخرین دستوراتی که بر او نازل شده که ولایت امیر المؤمنین و ائمه طاهرین باشد

### (و نصح لعبادک)

چه اندازه موعظه و نصیحت و سفارش بامت فرمود و حق و باطل را بآنها نشان داد که تمام هم او نجات امت بوده حتی در قبر رب امتی

میگفت، فردای قیامت هم رب امتی میگوید

(و صدع بامرک)

و بطور واضح و روشن و آشکارا اوامر ترا اعلام فرموده و انجام داد با اینکه چه اندازه او را تهدید کردند و چه اندازه اذیت کردند و در مقابل یک دنیا شرک و کفر قیام کرد و استقامت ورزید.

اما اقربیت حضرت رسالت جایی که در معراج برود تا

(قاب قوسین او ادنی)

و در قرآن بخاتم النبیین تعبیر فرماید و از ضروریات دین افضلیت آن حضرت است که منکرش کافر است و در قیامت اول کسی که وارد بهشت میشود و امتش هم قبل از سایر امم بهشت میروند یعنی مؤمنین از آنها و اوصیاء او هم قبل از انبیاء و اوصیاء وارد میشوند.

و تعبیر بمجلس این نیست که مجسمه از عامه قائل هستند که العیاذ خدا بر تخت نشسته و حضرت پهلوی او نشسته است زیرا خدا جسم نیست مکان ندارد بلکه مراد رتبه و مقام است که در صفات الهی از علم و قدرت و حلم و سایر صفات ربوبی از اُطیب البیان

فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۲۹

اجلهم عندک قدرا و او جهنم عندک جاها

تمام انبیاء بالاتر و نزدیکتر است و در حدیث داریم

### (تخلّفوا باخلاق الله)

چنانچه هر عمل نیکو از عبادات و اعتقادات و اخلاق قرب بالهی پیدا میکند، می‌گویی قربۀ الی الله

### (و امکنهم منک شفاعة)

شفاعت کبری خاصه پیغمبر اکرم است و اسباب شفاعتش هم بیشتر است در حدیث آمده فردای قیامت که خلق اولین و آخرین مجتمع میشوند حیران و سرگردان هستند از آدم و نوح و ابراهیم و غیر آنها سؤال میکنند که از خدا بخواهند رسیدگی بحساب بندگان فرماید آنها میگویند از عهده ما خارج است تا خدمت حضرت رسول او از خدای متعال درخواست میکند، خداوند اجابت میفرماید، خطاب میرسد امت خود را بیاور در محکمه حساب، حضرت نیکان امت را میرد خطاب میرسد (این العاصون)

حضرت کسانی را میرد که

(خلطوا عملا صالحا و آخر سیئا)

که خداوند وعده عفو بآنها داده که میفرماید و آخِرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَ آخِرَ سَيِّئًا عَسَى اللَّهُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ توبه آیه ۱۰۳.

اینها را میرد خطاب میرسد

(این العاصون)

حضرت عاصیان را میرد خطاب میرسد

(اخرج یا احمد)

حضرت خارج میشود، آتش آنها را احاطه میکند آنان استغاثه میکنند حضرت بر میگردد، آتش دور میگردد تا سه مرتبه، عرض میکند پروردگارا بمن وعده شفاعت داده‌ای که خود حضرت میفرماید:

(ان شفاعتی لاهل الکبائر من امتی)

خداوند اجازه میدهد حضرت میفرستد که دخترش فاطمه (ع) اسباب شفاعت را بیاورد، صدیقه طاهره بکیفیت بسیار مفصلی وارد میشود و اسباب شفاعت را میآورد، پیراهن فرزندش حسین (ع) روی سر انداخته، دراعه زهرآلود حسن، عمامه خون‌آلود امیر المؤمنین، دو دست بریده ابا الفضل و سایر آنها را میرد و تمام مؤمنین بیرکۀ شفاعت این خاندان رستگار میشوند، حدیث بسیار مفصل است، بهمین اندازه اشاره شد.

اما جلالت قدر همین بس است که فرموده خدا را نشناخت جز من و علی و مرا أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۳۰

اللهم صل علی محمد و آل محمد و شرف بنیانه و عظم برهانه و ثقل میزانه و تقبل شفاعته و قرب وسیلته و بیض وجهه و اتم نوره و ارفع درجته و احینا علی سنیة و توفنا علی ملتة و خذ بنا منهاجه و اسلك بنا سبيله و اجعلنا من اهل طاعته و احشرنا فی زمرة و اوردنا حوضه و اسقنا بکاسه

نشناخت جز خدا و علی و علی را نشناخت جز خدا و من و معلوم است که ما دون پی بمقام ما فوق نمیرد و اما جاه و مقام همین بس است که مقام محمود باو عنایت شده که تمام اهل محشر از انبیاء و ما دون ستایش و تمجید میکنند با اینکه حمد مختص بخدا است که میفرماید و مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا اسراء آیه ۸۱.

بعد الصلاة عرض میکنی پروردگار پیغمبر اکرم را و

(شرف بنیانه)

بنیان پیغمبر دین مقدس اسلام است و شرافت او بر تمام ادیان دین او را بر تمام ادیان شرافت ده

(و عظم برهانه)

برهان او قرآن مجید است بر تمام کتب سماویه عظمت ده و عظیم گردان

(و ثقل میزانه)

که اگر عبادۀ تمام انبیاء و مؤمنین جن و انس و جمیع ملائکه و شهداء و صدیقین را در یک کفه گذارند برابری نکند با عبادات او و بیانات او و هدایت و ارشاد او.

(تقبل شفاعته)

حتی در حق انبیاء و مقربان در گاهت در ارتفاع درجات آنها و مراتب آنها.

(و قرب وسیلته)

و منزله و مقام و مرتبه او را بخود نزدیک فرما

(و بیض وجهه)

در میان تمام انبیاء و اولیاء و ملائکه و اهل بهشت او را آبرومند گردان

(و اتم نوره)

همین نحوی که در ابتداء خلقت اولین مخلوق تو نور مقدس او بوده روز بروز بر نور او و آتش افزون فرما و در روایت است که بدن مبارکش سایه نداشت و شب اگر در جاده میگذشت خانه‌های اطراف جاده را روشن میفرموده و در حدیث کساء صدیقه طاهره میفرماید:

(و صرت انظر الی وجهه کانه البدر فی لیلۀ تمامه و کماله)

و در زیارت جامعه اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۳۱

و صل اللهم علی محمد و آله صلوةً تبلغه بها افضل ما یامل من خیرک و فضلک و کرامتک انک ذو رحمۀ واسعۀ و فضل کریم

در حق او و آتش دارد

(خلقکم الله انوارا فجعلکم بعرضه محققین)

### (و ارفع درجته)

که با مقام ربوبی و واجب الوجودی که یک میم امکانی فرق باشد، ز احمد تا احد یک میم فرقت همه عالم در آن یک میم

فرقت در حدیث است

(نزلونا من الربوبیه و قولوا فی حقنا ما شئتم)

(و احيينا علی سنته)

که ما در دنیا بر طبق سنت و طریقه حقه او باشیم و قدمی بر خلاف نگذاریم تا آخر عمر

(و توفنا علی ملته)

بدین مقدس او از دنیا بیرون رویم و در زمره ملت او محشور شویم

(و خذ بنا منهاجه)

و ما را بر طریقه و منهاج او قرار ده و منهاج و طریقه او را بما عنایت فرما

(و اسلك بنا سبيله)

و ما را بر طریقه او سپرده که ایمان و توفیق ما در کنف خود محفوظ باشد و نگهداری فرمایی که ما بخودی خود نمیتوانیم

نگهداری کنیم تا حفظ تو نباشد.

(و اجعلنا من اهل طاعته)

که قدمی بر خلاف طاعت او برداریم که میفرماید یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ نساء آیه ۶۲  
(و احشرنا فی زمرته)

که میفرماید وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا نساء آیه ۷۲، افضل النبیین نبینا و افضل الصدیقین امیر المؤمنین که صدیق اکبر است و اول من صدق رسول الله است و افضل الشهداء سید الشهداء ابی عبد الله الحسین و افضل الصالحین الأئمه الطاهرین اللهم احشرنا معهم و فی زمرتهم بحقهم صلواتک و سلامک علیهم  
(و اوردا حوضه)

حوض کوثر است که میفرماید بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوْثَرَ وَ سَاقِي أَنْ امیر المؤمنین است و بعدد ستاره‌های آسمان لیوان اطراف آنست  
(و اسقنا بکاسه)

که دارد دوستان خود را سقایت میفرماید و دشمنان را رد میکند.

اصل صلوات من الله رحمه واسعة الهیه است و در قرآن بفعل مضارع تعبیر أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۳۲  
اللهم اجزه بما بلغ من رسالاتک وادی من آیاتک و نصح لعبادک و جاهد فی سبیلک افضل ما جزیت احدا من ملائکتک المقربین و انبیائک المرسلین المصطفین و السلام علیه و علی آله الطیبین الطاهرین و رحمه الله و برکاته  
فرموده که اشاره بدوام و عدم انقطاع است که میفرماید إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا احزاب ۵۶ و اما  
(تبلغه بها افضل ما یأمل)

آمال رسول بسیار است در آیه شریفه میفرماید وَ لَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى الضحی آیه ۵ و از حضرت رسالت است که فرمود تا یک نفر از امت من در صحرای محشر باقیست من راضی نمی‌شوم تا تمام آنها را شفاعت نکنم  
(من خیرک و فضلک و کرامتک)

تمام نعم الهیه خیر است و تمام عنایات او فضل و تفضل است و تمام شئون کرم است و درجه اعلائی آنها نصیب پیغمبر است  
(انک ذو رحمه واسعه و فضل کریم)

نه رحمت تمام میشود و نه تفضلات خاتمه پیدا میکند.

(اللهم اجزه)

تعبیر بجزا برای وعده الهیه که تخلف پذیر نیست نه از جهت استحقاق بلکه از جهت تفضل زیرا هر چه بنده بجا آورد تقابل با نعم الهی نمیکند چه رسد طلب اجر و مزد کند.

(خاتمه دعاء) و از این دعاء شریف نکاتی استفاده میشود که برای تنبیه رفقاء اشاره مختصری میکنیم ان شاء الله تعالی، یکی آنکه در ایندعاء شریف آنچه بیان فرموده بنحو متکلم مع الغیر بیان کرده نه متکلم وحده و مراد از غیر جمیع شیعیان الی یوم القیامه هستند  
بدلیل قولهم علیهم السلام

(شیعتنا منا خلقوا من فاضل طینتنا و عجنوا بنور ولایتنا)

و البته بلکه صد البته دعاء حضرت زین العابدین (ع) در پیشگاه احدیت مستجاب است و این یک بشارت بزرگ است برای شیعیان.  
نکته دوم- در ایندعاء شریف فوائد و نتایج و ثمرات تلاوت و قرائت و عمل بدستورات قرآن را بیان فرموده زائد بر آنچه در هر



سوره و آیه محل خود ذکر شده و زائد بر آنچه در مقدمه تذکر داده‌ایم و از این بیان تا اندازه‌ای اهمیت قرآن معلوم میشود. نکته سوم- اینکه از مضامین ایندعا استفاده میشود علاوه از آنچه از ادله و اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۳۳ اخبار و ضرورت مذهب شیعه استفاده کرده‌ایم که بقدر خردلی قرآن بر غیر مؤمنین از مخالفین من الاولین و الاخرین بهره و ثمره ندارد بلکه خصم آنها است حتی از کفار و مشرکین سخت‌تر و شدیدتر است.

نکته چهارم- اینکه شیعه با کمال جدیت باید حفظ تشیع خود را بکند و از دستورات قرآن بیرون نرود و با ایمان از دنیا برود تا مشمول این تفضلات واقع شود.

نکته پنجم- اینکه آنچه در ایندعای دعاء در حق پیغمبر اکرم شده تمام بنفع شیعه تمام میشود، از خدا میخواهیم و او را قسم میدهم بمقام این خاندان که ایمان ما را در کنف خود حفظ فرماید و ما را در زمره این خاندان محشور نماید و از فیوضات آنها بهره‌مند کند و الحمد لله و صلی الله علی محمد و آله و انا احقر الناس السید عبد الحسین طیب غفر الله له. اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۳۴

### بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ خاتمه مشتمل بر امور است :

امر اول اینکه در اینقرآن‌های مطبوعه علاماتی از برای وقف و وصل نوشته شده مثل م علامت وقف لازم- ط علامت وقف مطلق- ج علامت وقف جائز- ز علامت وقف مجوز، ص علامت وقف مرخص، ق علامت اینکه قیل بالوقف، ک علامت كذلك، لا علامت عدم جواز وقف، و بعضی علامات دیگری نوشته شده، ف علامت وقف مطلق قفه، س علامت سکنه در وقف، ق لا علامت اینکه قیل لا وقف، صل علامت وصل است ضد وقف، صلی علامت اینکه وصل اولی است، جه علامت اینکه در وقف و وصل دو وجه است، که صب علامت وقف بشرط، وصل بما بعد او، صق علامت وقف بشرط وصل ما قبل او، ه علامت پنج آیه، ی علامت ده آیه، و لا- کن در بسیار از موارد اشتباه و خطا است که ذکر آن موارد بسیار صعب است، باید قاری متوجه باشد یا از اهلش سؤال کند.

امر دوم اینکه عدد سوره‌ها و آیات و کلمات و حروف قرآن را در هر سوره معین کردند و در بسیاری اختلاف هم قراء دارند. عدد سوره‌ها ۱۱۴ سوره و عدد آیات بر حسب صورت ذیل سوره آیه سوره آیه سوره آیه ۱ ۲۷ ۲۸۶ ۳ ۲۰۰ ۴ ۱۷۶ ۵ ۱۲۰ ۶ ۱۶۵ ۷ ۲۰۶ ۸ ۷۵ ۹ ۱۲۹ ۱۰ ۱۰۹ ۱۱ ۱۲۳ ۱۲ ۱۱۱ ۱۳ ۴۳ ۱۴ ۵۲ ۱۵ ۹۹ ۱۶ ۱۲۸ اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۳۵

۱۷ ۱۱۱ ۱۸ ۱۱۰ ۱۹ ۹۸ ۲۰ ۱۳۵ ۲۱ ۱۱۲ ۲۲ ۷۸ ۲۳ ۱۱۸ ۲۴ ۶۴ ۲۵ ۷۷ ۲۶ ۲۲۷ ۲۷ ۲۷ ۲۸ ۹۳ ۲۹ ۸۸ ۳۰ ۶۹ ۳۱ ۶۰ ۳۲ ۳۴ ۳۰ ۳۳ ۷۳ ۳۴ ۵۴ ۳۵ ۴۵ ۳۶ ۸۳ ۳۷ ۱۸۲ ۳۸ ۸۸ ۳۹ ۷۵ ۴۰ ۸۵ ۴۱ ۵۴ ۴۲ ۵۳ ۴۳ ۸۹ ۴۴ ۵۹ ۴۵ ۴۶ ۳۷ ۴۷ ۳۵ ۴۸ ۳۸ ۴۹ ۲۹ ۴۸ ۲۹ ۴۹ ۵۱ ۶۰ ۵۲ ۴۹ ۵۳ ۶۲ ۵۴ ۵۵ ۵۵ ۷۸ ۵۶ ۹۶ ۵۷ ۲۹ ۵۸ ۲۲ ۵۹ ۲۴ ۶۰ ۱۳ ۶۱ ۱۴ ۶۲ ۱۱ ۶۳ ۱۱ ۶۴ ۱۸ ۶۵ ۱۲ ۶۶ ۱۲ ۶۷ ۳۰ ۶۸ ۵۲ ۶۹ ۷۰ ۴۴ ۷۱ ۲۸ ۷۲ ۲۸ ۷۳ ۲۰ ۷۴ ۵۶ ۷۵ ۴۰ ۷۶ ۳۱ ۷۷ ۵۰ ۷۸ ۴۰ ۷۹ ۴۰ ۸۰ ۴۲ ۸۱ ۲۹ ۸۲ ۱۹ ۸۳ ۳۶ ۸۴ ۲۵ ۸۵ ۲۲ ۸۶ ۱۷ ۸۷ ۱۹ ۸۸ ۲۶ ۸۹ ۳۰ ۹۰ ۲۰ ۹۱ ۱۵ ۹۲ ۲۱ ۹۳ ۱۱ ۹۴ ۸۹ ۹۵ ۸۹ ۹۶ ۱۹ ۹۷ ۹۸ ۹۸ ۹۹ ۸۰ ۱۰۰ ۱۱ ۱۰۱ ۱۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۹۱ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳ ۶۰۴ ۶۰۵ ۶۰۶ ۶۰۷ ۶۰۸ ۶۰۹ ۶۱۰ ۶۱۱ ۶۱۲ ۶۱۳ ۶۱۴ ۶۱۵ ۶۱۶ ۶۱۷ ۶۱۸ ۶۱۹ ۶۲۰ ۶۲۱ ۶۲۲ ۶۲۳ ۶۲۴ ۶۲۵ ۶۲۶ ۶۲۷ ۶۲۸ ۶۲۹ ۶۳۰ ۶۳۱ ۶۳۲ ۶۳۳ ۶۳۴ ۶۳۵ ۶۳۶ ۶۳۷ ۶۳۸ ۶۳۹ ۶۴۰ ۶۴۱ ۶۴۲ ۶۴۳ ۶۴۴ ۶۴۵ ۶۴۶ ۶۴۷ ۶۴۸ ۶۴۹ ۶۵۰ ۶۵۱ ۶۵۲ ۶۵۳ ۶۵۴ ۶۵۵ ۶۵۶ ۶۵۷ ۶۵۸ ۶۵۹ ۶۶۰ ۶۶۱ ۶۶۲ ۶۶۳ ۶۶۴ ۶۶۵ ۶۶۶ ۶۶۷ ۶۶۸ ۶۶۹ ۶۷۰ ۶۷۱ ۶۷۲ ۶۷۳ ۶۷۴ ۶۷۵ ۶۷۶ ۶۷۷ ۶۷۸ ۶۷۹ ۶۸۰ ۶۸۱ ۶۸۲ ۶۸۳ ۶۸۴ ۶۸۵ ۶۸۶ ۶۸۷ ۶۸۸ ۶۸۹ ۶۹۰ ۶۹۱ ۶۹۲ ۶۹۳ ۶۹۴ ۶۹۵ ۶۹۶ ۶۹۷ ۶۹۸ ۶۹۹ ۷۰۰ ۷۰۱ ۷۰۲ ۷۰۳ ۷۰۴ ۷۰۵ ۷۰۶ ۷۰۷ ۷۰۸ ۷۰۹ ۷۱۰ ۷۱۱ ۷۱۲ ۷۱۳ ۷۱۴ ۷۱۵ ۷۱۶ ۷۱۷ ۷۱۸ ۷۱۹ ۷۲۰ ۷۲۱ ۷۲۲ ۷۲۳ ۷۲۴ ۷۲۵ ۷۲۶ ۷۲۷ ۷۲۸ ۷۲۹ ۷۳۰ ۷۳۱ ۷۳۲ ۷۳۳ ۷۳۴ ۷۳۵ ۷۳۶ ۷۳۷ ۷۳۸ ۷۳۹ ۷۴۰ ۷۴۱ ۷۴۲ ۷۴۳ ۷۴۴ ۷۴۵ ۷۴۶ ۷۴۷ ۷۴۸ ۷۴۹ ۷۵۰ ۷۵۱ ۷۵۲ ۷۵۳ ۷۵۴ ۷۵۵ ۷۵۶ ۷۵۷ ۷۵۸ ۷۵۹ ۷۶۰ ۷۶۱ ۷۶۲ ۷۶۳ ۷۶۴ ۷۶۵ ۷۶۶ ۷۶۷ ۷۶۸ ۷۶۹ ۷۷۰ ۷۷۱ ۷۷۲ ۷۷۳ ۷۷۴ ۷۷۵ ۷۷۶ ۷۷۷ ۷۷۸ ۷۷۹ ۷۸۰ ۷۸۱ ۷۸۲ ۷۸۳ ۷۸۴ ۷۸۵ ۷۸۶ ۷۸۷ ۷۸۸ ۷۸۹ ۷۹۰ ۷۹۱ ۷۹۲ ۷۹۳ ۷۹۴ ۷۹۵ ۷۹۶ ۷۹۷ ۷۹۸ ۷۹۹ ۸۰۰ ۸۰۱ ۸۰۲ ۸۰۳ ۸۰۴ ۸۰۵ ۸۰۶ ۸۰۷ ۸۰۸ ۸۰۹ ۸۱۰ ۸۱۱ ۸۱۲ ۸۱۳ ۸۱۴ ۸۱۵ ۸۱۶ ۸۱۷ ۸۱۸ ۸۱۹ ۸۲۰ ۸۲۱ ۸۲۲ ۸۲۳ ۸۲۴ ۸۲۵ ۸۲۶ ۸۲۷ ۸۲۸ ۸۲۹ ۸۳۰ ۸۳۱ ۸۳۲ ۸۳۳ ۸۳۴ ۸۳۵ ۸۳۶ ۸۳۷ ۸۳۸ ۸۳۹ ۸۴۰ ۸۴۱ ۸۴۲ ۸۴۳ ۸۴۴ ۸۴۵ ۸۴۶ ۸۴۷ ۸۴۸ ۸۴۹ ۸۵۰ ۸۵۱ ۸۵۲ ۸۵۳ ۸۵۴ ۸۵۵ ۸۵۶ ۸۵۷ ۸۵۸ ۸۵۹ ۸۶۰ ۸۶۱ ۸۶۲ ۸۶۳ ۸۶۴ ۸۶۵ ۸۶۶ ۸۶۷ ۸۶۸ ۸۶۹ ۸۷۰ ۸۷۱ ۸۷۲ ۸۷۳ ۸۷۴ ۸۷۵ ۸۷۶ ۸۷۷ ۸۷۸ ۸۷۹ ۸۸۰ ۸۸۱ ۸۸۲ ۸۸۳ ۸۸۴ ۸۸۵ ۸۸۶ ۸۸۷ ۸۸۸ ۸۸۹ ۸۹۰ ۸۹۱ ۸۹۲ ۸۹۳ ۸۹۴ ۸۹۵ ۸۹۶ ۸۹۷ ۸۹۸ ۸۹۹ ۹۰۰ ۹۰۱ ۹۰۲ ۹۰۳ ۹۰۴ ۹۰۵ ۹۰۶ ۹۰۷ ۹۰۸ ۹۰۹ ۹۱۰ ۹۱۱ ۹۱۲ ۹۱۳ ۹۱۴ ۹۱۵ ۹۱۶ ۹۱۷ ۹۱۸ ۹۱۹ ۹۲۰ ۹۲۱ ۹۲۲ ۹۲۳ ۹۲۴ ۹۲۵ ۹۲۶ ۹۲۷ ۹۲۸ ۹۲۹ ۹۳۰ ۹۳۱ ۹۳۲ ۹۳۳ ۹۳۴ ۹۳۵ ۹۳۶ ۹۳۷ ۹۳۸ ۹۳۹ ۹۴۰ ۹۴۱ ۹۴۲ ۹۴۳ ۹۴۴ ۹۴۵ ۹۴۶ ۹۴۷ ۹۴۸ ۹۴۹ ۹۵۰ ۹۵۱ ۹۵۲ ۹۵۳ ۹۵۴ ۹۵۵ ۹۵۶ ۹۵۷ ۹۵۸ ۹۵۹ ۹۶۰ ۹۶۱ ۹۶۲ ۹۶۳ ۹۶۴ ۹۶۵ ۹۶۶ ۹۶۷ ۹۶۸ ۹۶۹ ۹۷۰ ۹۷۱ ۹۷۲ ۹۷۳ ۹۷۴ ۹۷۵ ۹۷۶ ۹۷۷ ۹۷۸ ۹۷۹ ۹۸۰ ۹۸۱ ۹۸۲ ۹۸۳ ۹۸۴ ۹۸۵ ۹۸۶ ۹۸۷ ۹۸۸ ۹۸۹ ۹۹۰ ۹۹۱ ۹۹۲ ۹۹۳ ۹۹۴ ۹۹۵ ۹۹۶ ۹۹۷ ۹۹۸ ۹۹۹ ۱۰۰۰ ۱۰۰۱ ۱۰۰۲ ۱۰۰۳ ۱۰۰۴ ۱۰۰۵ ۱۰۰۶ ۱۰۰۷ ۱۰۰۸ ۱۰۰۹ ۱۰۱۰ ۱۰۱۱ ۱۰۱۲ ۱۰۱۳ ۱۰۱۴ ۱۰۱۵ ۱۰۱۶ ۱۰۱۷ ۱۰۱۸ ۱۰۱۹ ۱۰۲۰ ۱۰۲۱ ۱۰۲۲ ۱۰۲۳ ۱۰۲۴ ۱۰۲۵ ۱۰۲۶ ۱۰۲۷ ۱۰۲۸ ۱۰۲۹ ۱۰۳۰ ۱۰۳۱ ۱۰۳۲ ۱۰۳۳ ۱۰۳۴ ۱۰۳۵ ۱۰۳۶ ۱۰۳۷ ۱۰۳۸ ۱۰۳۹ ۱۰۴۰ ۱۰۴۱ ۱۰۴۲ ۱۰۴۳ ۱۰۴۴ ۱۰۴۵ ۱۰۴۶ ۱۰۴۷ ۱۰۴۸ ۱۰۴۹ ۱۰۵۰ ۱۰۵۱ ۱۰۵۲ ۱۰۵۳ ۱۰۵۴ ۱۰۵۵ ۱۰۵۶ ۱۰۵۷ ۱۰۵۸ ۱۰۵۹ ۱۰۶۰ ۱۰۶۱ ۱۰۶۲ ۱۰۶۳ ۱۰۶۴ ۱۰۶۵ ۱۰۶۶ ۱۰۶۷ ۱۰۶۸ ۱۰۶۹ ۱۰۷۰ ۱۰۷۱ ۱۰۷۲ ۱۰۷۳ ۱۰۷۴ ۱۰۷۵ ۱۰۷۶ ۱۰۷۷ ۱۰۷۸ ۱۰۷۹ ۱۰۸۰ ۱۰۸۱ ۱۰۸۲ ۱۰۸۳ ۱۰۸۴ ۱۰۸۵ ۱۰۸۶ ۱۰۸۷ ۱۰۸۸ ۱۰۸۹ ۱۰۹۰ ۱۰۹۱ ۱۰۹۲ ۱۰۹۳ ۱۰۹۴ ۱۰۹۵ ۱۰۹۶ ۱۰۹۷ ۱۰۹۸ ۱۰۹۹ ۱۱۰۰ ۱۱۰۱ ۱۱۰۲ ۱۱۰۳ ۱۱۰۴ ۱۱۰۵ ۱۱۰۶ ۱۱۰۷ ۱۱۰۸ ۱۱۰۹ ۱۱۱۰ ۱۱۱۱ ۱۱۱۲ ۱۱۱۳ ۱۱۱۴ ۱۱۱۵ ۱۱۱۶ ۱۱۱۷ ۱۱۱۸ ۱۱۱۹ ۱۱۲۰ ۱۱۲۱ ۱۱۲۲ ۱۱۲۳ ۱۱۲۴ ۱۱۲۵ ۱۱۲۶ ۱۱۲۷ ۱۱۲۸ ۱۱۲۹ ۱۱۳۰ ۱۱۳۱ ۱۱۳۲ ۱۱۳۳ ۱۱۳۴ ۱۱۳۵ ۱۱۳۶ ۱۱۳۷ ۱۱۳۸ ۱۱۳۹ ۱۱۴۰ ۱۱۴۱ ۱۱۴۲ ۱۱۴۳ ۱۱۴۴ ۱۱۴۵ ۱۱۴۶ ۱۱۴۷ ۱۱۴۸ ۱۱۴۹ ۱۱۵۰ ۱۱۵۱ ۱۱۵۲ ۱۱۵۳ ۱۱۵۴ ۱۱۵۵ ۱۱۵۶ ۱۱۵۷ ۱۱۵۸ ۱۱۵۹ ۱۱۶۰ ۱۱۶۱ ۱۱۶۲ ۱۱۶۳ ۱۱۶۴ ۱۱۶۵ ۱۱۶۶ ۱۱۶۷ ۱۱۶۸ ۱۱۶۹ ۱۱۷۰ ۱۱۷۱ ۱۱۷۲ ۱۱۷۳ ۱۱۷۴ ۱۱۷۵ ۱۱۷۶ ۱۱۷۷ ۱۱۷۸ ۱۱۷۹ ۱۱۸۰ ۱۱۸۱ ۱۱۸۲ ۱۱۸۳ ۱۱۸۴ ۱۱۸۵ ۱۱۸۶ ۱۱۸۷ ۱۱۸۸ ۱۱۸۹ ۱۱۹۰ ۱۱۹۱ ۱۱۹۲ ۱۱۹۳ ۱۱۹۴ ۱۱۹۵ ۱۱۹۶ ۱۱۹۷ ۱۱۹۸ ۱۱۹۹ ۱۲۰۰ ۱۲۰۱ ۱۲۰۲ ۱۲۰۳ ۱۲۰۴ ۱۲۰۵ ۱۲۰۶ ۱۲۰۷ ۱۲۰۸ ۱۲۰۹ ۱۲۱۰ ۱۲۱۱ ۱۲۱۲ ۱۲۱۳ ۱۲۱۴ ۱۲۱۵ ۱۲۱۶ ۱۲۱۷ ۱۲۱۸ ۱۲۱۹ ۱۲۲۰ ۱۲۲۱ ۱۲۲۲ ۱۲۲۳ ۱۲۲۴ ۱۲۲۵ ۱۲۲۶ ۱۲۲۷ ۱۲۲۸ ۱۲۲۹ ۱۲۳۰ ۱۲۳۱ ۱۲۳۲ ۱۲۳۳ ۱۲۳۴ ۱۲۳۵ ۱۲۳۶ ۱۲۳۷ ۱۲۳۸ ۱۲۳۹ ۱۲۴۰ ۱۲۴۱ ۱۲۴۲ ۱۲۴۳ ۱۲۴۴ ۱۲۴۵ ۱۲۴۶ ۱۲۴۷ ۱۲۴۸ ۱۲۴۹ ۱۲۵۰ ۱۲۵۱ ۱۲۵۲ ۱۲۵۳ ۱۲۵۴ ۱۲۵۵ ۱۲۵۶ ۱۲۵۷ ۱۲۵۸ ۱۲۵۹ ۱۲۶۰ ۱۲۶۱ ۱۲۶۲ ۱۲۶۳ ۱۲۶۴ ۱۲۶۵ ۱۲۶۶ ۱۲۶۷ ۱۲۶۸ ۱۲۶۹ ۱۲۷۰ ۱۲۷۱ ۱۲۷۲ ۱۲۷۳ ۱۲۷۴ ۱۲۷۵ ۱۲۷۶ ۱۲۷۷ ۱۲۷۸ ۱۲۷۹ ۱۲۸۰ ۱۲۸۱ ۱۲۸۲ ۱۲۸۳ ۱۲۸۴ ۱۲۸۵ ۱۲۸۶ ۱۲۸۷ ۱۲۸۸ ۱۲۸۹ ۱۲۹۰ ۱۲۹۱ ۱۲۹۲ ۱۲۹۳ ۱۲۹۴ ۱۲۹۵ ۱۲۹۶ ۱۲۹۷ ۱۲۹۸ ۱۲۹۹ ۱۳۰۰ ۱۳۰۱ ۱۳۰۲ ۱۳۰۳ ۱۳۰۴ ۱۳۰۵ ۱۳۰۶ ۱۳۰۷ ۱۳۰۸ ۱۳۰۹ ۱۳۱۰ ۱۳۱۱ ۱۳۱۲ ۱۳۱۳ ۱۳۱۴ ۱۳۱۵ ۱۳۱۶ ۱۳۱۷ ۱۳۱۸ ۱۳۱۹ ۱۳۲۰ ۱۳۲۱ ۱۳۲۲ ۱۳۲۳ ۱۳۲۴ ۱۳۲۵ ۱۳۲۶ ۱۳۲۷ ۱۳۲۸ ۱۳۲۹ ۱۳۳۰ ۱۳۳۱ ۱۳۳۲ ۱۳۳۳ ۱۳۳۴ ۱۳۳۵ ۱۳۳۶ ۱۳۳۷ ۱۳۳۸ ۱۳۳۹ ۱۳۴۰ ۱۳۴۱ ۱۳۴۲ ۱۳۴۳ ۱۳۴۴ ۱۳۴۵ ۱۳۴۶ ۱۳۴۷ ۱۳۴۸ ۱۳۴۹ ۱۳۵۰ ۱۳۵۱ ۱۳۵۲ ۱۳۵۳ ۱۳۵۴ ۱۳۵۵ ۱۳۵۶ ۱۳۵۷ ۱۳۵۸ ۱۳۵۹ ۱۳۶۰ ۱۳۶۱ ۱۳۶۲ ۱۳۶۳ ۱۳۶۴ ۱۳۶۵ ۱۳۶۶ ۱۳۶۷ ۱۳۶۸ ۱۳۶۹ ۱۳۷۰ ۱۳۷۱ ۱۳۷۲ ۱۳۷۳ ۱۳۷۴ ۱۳۷۵ ۱۳۷۶ ۱۳۷۷ ۱۳۷۸ ۱۳۷۹ ۱۳۸۰ ۱۳۸۱ ۱۳۸۲ ۱۳۸۳ ۱۳۸۴ ۱۳۸۵ ۱۳۸۶ ۱۳۸۷ ۱۳۸۸ ۱۳۸۹ ۱۳۹۰ ۱۳۹۱ ۱۳۹۲ ۱۳۹۳ ۱۳۹۴ ۱۳۹۵ ۱۳۹۶ ۱۳۹۷ ۱۳۹۸ ۱۳۹۹ ۱۴۰۰ ۱۴۰۱ ۱۴۰۲ ۱۴۰۳ ۱۴۰۴ ۱۴۰۵ ۱۴۰۶ ۱۴۰۷ ۱۴۰۸ ۱۴۰۹ ۱۴۱۰ ۱۴۱۱ ۱۴۱۲ ۱۴۱۳ ۱۴۱۴ ۱۴۱۵ ۱۴۱۶ ۱۴۱۷ ۱۴۱۸ ۱۴۱۹ ۱۴۲۰ ۱۴۲۱ ۱۴۲۲ ۱۴۲۳ ۱۴۲۴ ۱۴۲۵ ۱۴۲۶ ۱۴۲۷ ۱۴۲۸ ۱۴۲۹ ۱۴۳۰ ۱۴۳۱ ۱۴۳۲ ۱۴۳۳ ۱۴۳۴ ۱۴۳۵ ۱۴۳۶ ۱۴۳۷ ۱۴۳۸ ۱۴۳۹ ۱۴۴۰ ۱۴۴۱ ۱۴۴



(انی تارك فيكم الثقلين لن يفترقا حتى يردا على الحوض ما ان تمسكتم بهما لن تضلوا ابدا

از احاديث متواتره است و حرمت مس كتابت قرآن بدون طهارت چنانچه مي‌فرمايد إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ واقعه آيه ۷۷ الى ۷۹ و حرمت تنجيس قرآن و وجوب تطهير آن و حسن حفظ قرآن و نگاه بخط قرآن و ساير احترامات آن، امر پنجم- تلاوت قرآن که برای هر آيه آن يك درجه قاری آن را در بهشت اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۴۰ بالا ميبرد که در حديث دارد، فردای قیامت در بهشت باو ميگویند

(اقرأ فارتق)

و در قرآن مي‌فرمايد فَمَا قُرْأُوا مَا تَبَسَّرَ مِنْ الْقُرْآنِ اِلَى قَوْلِهِ فَمَا قُرْأُوا مَا تَبَسَّرَ مِنْهُ مَزْمَل آيه ۲۰ و قرائت قرآن بايد شمرده قرائت کرد باصطلاح و بزبان ما تند و تند که کلمات آن مفهوم نشود نبايد خواند که در آيه ۴ سوره مزممل مي‌فرمايد وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً و با حال خضوع و خشوع و توجه بمعانی آن و در آیات عذاب استعاذه کردن و در آیات ثواب طلب نمودن و ساير آداب قرائت. امر ششم- سزاوار است پس از ختم کلام الله ادعيه مأثوره از ائمه اطهار را تلاوت کند که افضل آنها دعاء صحیفه کامله سجادیه است و نیز سزاوار است که پس از ختم شروع کند از اول قرآن که وصل شود آخر آن باول آن و بداند که یکی از شفعا بزرگ در روز قیامت قرآن مجید است کسانی را که او را تلاوت کردند و بدستوراتش عمل نمودند و او را محترم شمردند و به تنبیهات او متنبه شدند.

ديگر استشفاء بقرآن مجید است که بر هر دردی ظاهريه و باطنيه شفا دهنده است چنانچه مي‌فرمايد يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ يونس آيه ۵۷ و نیز مي‌فرمايد قُلْ هُوَ الَّذِي آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ شُورَى آيه ۴۴ و نباشيد جزو کسانی که قرآن خصم آنها باشد و آنها را لعن کند که فرمودند

(رب تالی القرآن و القرآن يلعه)

ديگر قرآن را با خود نگاه داريد که حافظ از جميع بلاها و تصادفات است و در خانه‌ها تعطيل نگذاريد و لو چند آيه از او تلاوت شود الحمد لله و الصلاة و السلام على انبياء الله سيما رسول الله و آله آل الله و اللعن على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله اللهم اغفر لي و احشرنى مع القرآن و من نزل اليه و آله بحقهم صلوات الله عليهم و انا العبد الحقير الفقير الذليل المذنب المقصر السيد عبد الحسين المدعو بالطيب.

## الصحيفة السجادية

ص ۱۷۴

(۴۲) - وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ خْتَمِ الْقُرْآنِ:

(۱) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَعْتَبْتَنِي عَلَى خْتَمِ كِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَهُ نُورًا، وَ جَعَلْتَهُ مُهِمِّنًا عَلَى كُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ، وَ فَضَّلْتَهُ عَلَى كُلِّ حَدِيثٍ قَصَصْتَهُ.

الصحيفة السجادية، ص: ۱۷۶

(۲) وَ قُرْآنًا فَرَقْتُ بِهِ بَيْنَ حَلَالِكَ وَ حَرَامِكَ، وَ قُرْآنًا أَعْرَبْتُ بِهِ عَنْ شَرَائِعِ أَحْكَامِكَ وَ كِتَابًا فَضَّلْتَهُ لِعِبَادِكَ تَفْصِيلًا، وَ وَحْيًا أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - تَنْزِيلًا. (۳) وَ جَعَلْتَهُ نُورًا نَهَيْدِي مِنْ ظُلْمِ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ بِاتِّبَاعِهِ، وَ شِفَاءً لِمَنْ أَنْصَتَ بِهِمْ التَّضْيِيقِ إِلَى اسْتِمَاعِهِ، وَ مِيزَانَ قِسْطٍ لَا يَحِيفُ عَنِ الْحَقِّ لِسَانُهُ، وَ نُورَ هُدًى لَا يَطْفَأُ عَنِ الشَّاهِدِينَ بُرْهَانُهُ، وَ عَلَمَ نَجَاةٍ لَا يَضِلُّ مَنْ أَمَّ قَصْدَ سُبُتَيْهِ، وَ لَا تَنَالُ أَيْدِي الْهَلَكَاتِ مَنْ تَعَلَّقَ بِعُرْوَةِ عِصْمَتِهِ. (۴) اللَّهُمَّ فَإِذَا أَفْدَتْنَا الْمَعُونَةَ عَلَى تِلَاوَتِهِ، وَ سَيَّهَلَتْ جَوَاسِي أَلْسِنَتِنَا بِحُسْنِ عِبَارَتِهِ، فَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَزْعَاهُ حَقَّ رِعَايَتِهِ، وَ يَدِينُ لَكَ بِاعْتِقَادِ التَّسْلِيمِ لِمُحْكَمِ آيَاتِهِ، وَ يَفْرَعُ إِلَى الْإِقْرَارِ بِمُتَشَابِهِهِ، وَ مَوْضَحَاتِ بَيِّنَاتِهِ. (۵) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَهُ عَلَى نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - مُجْمَلًا، وَ أَلْهَمْتَهُ عِلْمَ عَجَائِبِهِ مُكْمَلًا، وَ وَرَّثْنَا عِلْمَهُ مُفَسَّرًا، وَ فَضَّلْتَنَا عَلَى مَنْ

جَهْلَ عِلْمِهِ، وَقَوَّيْنَا عَلَيْهِ لِتُرَفَعَنَا فَوْقَ مَنْ لَمْ يُطِقْ حَمَلَهُ. (۶) اللَّهُمَّ فَكَمَا جَعَلْتَ قُلُوبَنَا لَهُ حَمَلَةً، وَعَرَفْتَنَا بِرَحْمَتِكَ شَرَفَهُ وَفَضْلَهُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ الْخَطِيبِ بِهِ، وَعَلَى آلِهِ الْخَزَّانِ لَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَرِفُ بِأَنَّهُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى لَا يَعَارِضَنَا الشُّكُّ فِي تَصَدِيقِهِ، وَلَا يَخْتَلِجَنَا الزَّيْغُ عَن قَصْدِ طَرِيقِهِ. (۷) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَغْتَصِمُ بِحَبْلِهِ، وَيَأْوِي مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حِزْزِ مَعْقِلِهِ، وَيَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ، وَيَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ، وَيَقْتَدِي بِتَبْلُجِ أَسْفَارِهِ، وَيَسْتَضِيحُ بِمُصْبَاحِهِ، وَلَا يَلْتَمِسُ الْهُدَى فِي غَيْرِهِ.

الصحيفة السجادية، ص: ۱۷۸

(۸) اللَّهُمَّ وَكَمَا نَصَبْتَ بِهِ مُحَمَّدًا عَلِمًا لِلدَّلَالَةِ عَلَيْكَ، وَأَنْهَجْتَ بِآلِهِ سُبُلَ الرِّضَا إِلَيْكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ وَسِيلَةً لَنَا إِلَى أَشْرَفِ مَنَازِلِ الْكِرَامَةِ، وَسَلْمًا نَغْرُجُ فِيهِ إِلَى مَحَلِّ السَّلَامَةِ، وَسَبَبًا نُجْزِي بِهِ النَّجَاةَ فِي عَرَصَةِ الْقِيَامَةِ، وَدَرِيْعَةً نَقْدُمُ بِهَا عَلَى نَعِيمِ دَارِ الْمُقَامَةِ. (۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاخْطُطْ بِالْقُرْآنِ عَنَّا ثِقْلَ الْأَوْزَارِ، وَهَبْ لَنَا حُسْنَ شَمَائِلِ الْأُبْرَارِ، وَأَفُقْ بِنَا آثَارَ الَّذِينَ قَامُوا لَكَ بِهَ آتَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ حَتَّى تُطَهِّرَنَا مِنْ كُلِّ دَنَسٍ يَبْطُهِرُهُ، وَتَقْفُو بِنَا آثَارَ الَّذِينَ اسْتَضَاءُوا بِنُورِهِ، وَلَمْ يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ عَنِ الْعَمَلِ فَيَقْطَعُهُمْ بِخُدَّاعِ غُورِهِ. (۱۰) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِي ظِلْمِ اللَّيْلِ إِلَى مُونِسًا، وَمِنْ نَزَغَاتِ الشَّيْطَانِ وَخَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِسًا، وَلِأَقْدَامِنَا عَن تَقْلِيهَا إِلَى الْمَعَاصِي حَاسِبًا، وَلِأَلْسِنَتِنَا عَنِ الْخَوْضِ فِي الْبَاطِلِ مِنْ غَيْرِ مَا آفَهُ مُخْرِسًا، وَلِجَوَارِحِنَا عَنِ اقْتِرَافِ الْأَثَامِ زَاجِرًا، وَلِمَا طَوَّتِ الْعَفْلَةَ عَنَّا مِنْ تَصَفُّحِ الْعَيْتَابِ نَاشِرًا، حَتَّى تُوَصِّلَ إِلَيْنَا قُلُوبَنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَزَوَاجِرِ أَمْثَالِهِ الَّتِي ضَمَعَتْ الْجِبَالَ الرَّوَّاسِي عَلَى صَلَاتَيْهَا عَنِ احْتِمَالِهِ. (۱۱) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَادْمُ بِالْقُرْآنِ صِلَاحَ ظَاهِرِنَا، وَاحْجُبْ بِهِ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ عَن صِحَّةِ ضَمَائِرِنَا، وَاعْسَلْ بِهِ دَرَنَ قُلُوبِنَا وَعَلَمَاتِ أَوْزَارِنَا، وَاجْمَعْ بِهِ مُنْتَشِرَ أُمُورِنَا، وَأَرُوْ بِهَ فِي مَوْقِفِ الْعُرْضِ عَلَيْكَ ظَمًا هَوَاجِرِنَا، وَاكْسِنَا بِهَ حُلْلَ الْأَمَانِ يَوْمَ الْفِرْعِ الْأَكْبَرِ فِي نُشُورِنَا. (۱۲) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْبُرْ بِالْقُرْآنِ خَلْتَنَا مِنْ عَدَمِ الْأُمْلَاقِ، وَسُقَى إِلَيْنَا بِهَ رَعْدَ

الصحيفة السجادية، ص: ۱۸۰

الْعَيْشِ وَخِصْبِ سَعَةِ الْأَزْرَاقِ، وَجَنَّبْنَا بِهَ الضَّرَائِبَ الْمَذْمُومَةَ وَمَدَانِي الْأَخْلَاقِ، وَاعْصِمْنَا بِهَ مِنْ هُوَةِ الْكُفْرِ وَدَوَاعِي النَّفَاقِ حَتَّى يَكُونَ لَنَا فِي الْقِيَامَةِ إِلَى رِضْوَانِكَ وَجَنَانِكَ قَائِدًا، وَلَنَا فِي الدُّنْيَا عَن سُخْطِكَ وَتَعَدَّى حُدُودِكَ ذَائِدًا، وَلِمَا عِنْدَكَ بِتَحْلِيلِ حَلَالِهِ وَتَحْرِيمِ حَرَامِهِ شَاهِدًا. (۱۳) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَيِّؤْ بِالْقُرْآنِ عِنْدَ الْمَيُوتِ عَلَى أَنْفُسِنَا كَرْبَ السَّيِّاقِ، وَجَهْدَ الْبَلَيْنِ، وَتَرَادُفَ الْحَشَارِجِ إِذَا بَلَغَتِ النَّفُوسُ التَّرَاقِي، وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ وَتَجَلَّى مَلَكُ الْمَوْتِ لِقَبْضَتِهَا مِنْ حُجْبِ الْعُيُوبِ، وَرَمَاهَا عَن قَوْسِ الْمَنَائِي بِأَسْيِهِمْ وَخَشْهِ الْفِرَاقِ، وَدَافَ لَهَا مِنْ دُعَافِ الْمَوْتِ كَأَسَا مَسِيْمُومَةَ الْمِذَاقِ، وَدَنَا مِنَّا إِلَى الْأَخِرَةِ رَحِيلًا وَانْطَلَاقًا، وَصَارَتِ الْأَعْمَالُ قَلَادِيدَ فِي الْأَعْنَاقِ، وَكَانَتِ الْقُبُورُ هِيَ الْمَأْوَى إِلَى مِيقَاتِ يَوْمِ التَّلَاقِ (۱۴) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَارِكْ لَنَا فِي حُلُولِ دَارِ الْبَلَى، وَطُولِ الْمُقَامَةِ بَيْنَ أَطْبَاقِ التُّرَى، وَاجْعَلِ الْقُبُورَ بَعْدَ فِرَاقِ الدُّنْيَا خَيْرَ مَنَازِلِنَا، وَأَفْسَحْ لَنَا بِرَحْمَتِكَ فِي ضَيْقِ مَلَا حِدِنَا، وَ لَا تَفْضَحْنَا فِي حَاضِرِي الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ آثَامِنَا. (۱۵) وَارْحَمْ بِالْقُرْآنِ فِي مَوْقِفِ الْعُرْضِ عَلَيْكَ ذُلَّ مَقَامِنَا، وَتَبَّتْ بِهَ عِنْدَ اضْطِرَابِ جِسْرِ جَهَنَّمَ يَوْمَ الْمَجَازِ عَلَيْهَا زَلْزَلُ أَقْدَامِنَا، وَنُورٌ بِهَ قَبِيلِ الْبُعْثِ سِدْفِ قُبُورِنَا، وَنَجْنَا بِهَ مِنْ كُلِّ كَرْبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَشِدَائِدِ أَهْوَالِ يَوْمِ الطَّامَةِ (۱۶) وَبَيِّضْ وَجُوهَنَا يَوْمَ تَسْوُدُ وَجُوهُ الظُّلْمَةِ فِي يَوْمِ الْحَسِيرَةِ وَالتَّدَامَةِ، وَاجْعَلْ لَنَا فِي صُدُورِ الْمُؤْمِنِينَ وَدَاءً، وَ لَا تَجْعَلِ الْحَيَاةَ عَلَيْنَا نَكْدًا. (۱۷) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ، وَصَدَّعْ بِأَمْرِكَ، وَنَصَحْ لِعِبَادِكَ.

الصحيفة السجادية، ص: ۱۸۲

(۱۸) اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَبِيَّنَا- صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ- يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَقْرَبَ النَّبِيِّينَ مِنْكَ مَجْلِسًا، وَأَمَكْنَهُمْ مِنْكَ شَفَاعَةً، وَأَجْلَهُمْ عِنْدَكَ قَدْرًا، وَأَوْجَهُمْ عِنْدَكَ جَاهًا. (۱۹) اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَشَرِّفْ بُنْيَانَهُ، وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ، وَثَقِّلْ مِيزَانَهُ، وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ، وَقَرِّبْ وَسِيَلَتَهُ، وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَتِمَّ نُورَهُ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ (۲۰) وَأَخِينَا عَلَى سُنَّتِهِ، وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَخُذْ بِنَا مِنْهَاجَهُ، وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ طَاعَتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، وَأُورِدْنَا حَوْضَهُ، وَاسْقِنَا بِكَأْسِهِ (۲۱) وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، صِلَامَةً تَبْلُغُهُ بِهَا

أَفْضَلَ مَا يَأْمُلُ مِنْ خَيْرِكَ وَفَضْلِكَ وَكَرَامَتِكَ، إِنَّكَ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ، وَفَضْلٍ كَرِيمٍ. (۲۲) اللَّهُمَّ اجْزِهِ بِمَا بَلَغَ مِنْ رِسَالَتِكَ، وَ أَدَى مِنْ آيَاتِكَ، وَنَصِيحَ لِعِبَادِكَ، وَجَاهِدَ فِي سَبِيلِكَ، أَفْضَلَ مَا جَزَيْتَ أَحَدًا مِنْ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَ أَنْبِيَائِكَ الْمُزْمَلِينَ الْمُضِيَّ طَفَيْنَ، وَ السَّلَامَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ.

### الصحيفة السجادية / ترجمه آیتی

ص ۲۵۱

نیایش چهل و دوم [۱]

ای خداوند، تو مرا یاری دادی که کتاب تو را از آغاز تا انجام تلاوت کنم، کتابی که آن را همانند نوری نازل کرده‌ای و بر هر کتاب که زین پیش نازل کرده‌ای گواهی ساخته‌ای و بر هر سخن که گفته‌ای برتریش نهاده‌ای. فرقانی است که بدو حلالیت را و حرمت را از هم جدا کرده‌ای.

قرآنی است که بدو شرایع و احکام خویش آشکار ساخته‌ای. کتابی است که در او برای بندگان هر چیز را واضح و روشن بیان کرده‌ای.

وحیی است که بر پیامبرت محمد- صلواتک علیه و آله- نازل کرده‌ای.

بار خدایا، قرآن را نوری قرار داده‌ای که در پرتو آن از تاریکیهای گمراهی و نادانی برهیم، و شفایی برای هر که از سر تصدیق بر آن گوش نهد، و ترازوی عدلی که زبان‌اش از حق منحرف نشود، و چراغ هدایتی که فروغ برهانش را خاموشی نیست،

### [۱] دعای آن حضرت است پس از ختم قرآن.

الصحيفة السجادية / ترجمه آیتی، ص: ۲۵۲

پیش نهاد و آیین او پیشه ساخت گمراه نگرده و آن که چنگ در دست- آویز عصمتش زد دست هلاکت بدو نرسد.

ای خداوند، همچنان که ما را به تلاوت قرآن یاری دادی و به عبارات نیکویش خشونت از زبان ما بر گرفتی، اینک ما را از کسانی قرار ده که در نگهداشت و حراست او آن سان که در خور اوست سعی می‌ورزند و با اعتقاد به تسلیم در برابر آیات محکماتش، تو را عبادت می‌کنند و در برابر متشابهات و دلایل واضحاتش از سر تسلیم اقرار می‌نمایند.

بار خدایا، تو این قرآن را بی‌هیچ شرح و تفسیری، بر پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله فرستادی و علم به شگفتیهایش را سراسر به او الهام فرمودی، و علم تفسیر آن را به ما به میراث دادی و ما را بر آن کس که از علم قرآنش بهره‌ای نبود برتری نهادی و ما را به شناخت قرآن توانایی بخشیدی، تا بر کسانی که یاری حمل آن ندارند شرف و برتری دهی.

بار خدایا، همچنان که دلهای ما را حاملان قرآن ساختی و به رحمت خود شرف و فضیلت آن به ما شناساندی، بر محمد (ص) که خطیب قرآن است و خاندان او که خازنان علم قرآنند، درود بفرست و ما را در زمره کسانی قرار ده که از سر صدق معترفند که قرآن از نزد تو نازل شده، تا هیچ شک و تردید، با یقین ما معارضه نکند و چون قدم به راه راست قرآن نهادیم هیچ چیز ما را در راه نلغزاند.

بار خدایا، بر محمد و خاندان او درود بفرست و ما را در زمره کسانی قرار ده که در ریسمان قرآن چنگ می‌زنند و چون در شناخت حق از باطل وامانند به دژ استوار او پناه می‌جویند و در سایه گسترده بالهایش می‌آرامند و در پرتو صبح تابناکش راه خویش می‌یابند و آن مشعل فروزان را فرا راه خود می‌دارند و چراغ معرفت خویش از چراغ او می‌افروزند و جز او از کس هدایت نمی‌آموزند.

الصحیفه السجادیه / ترجمه آیتی، ص: ۲۵۳

ای خداوند، همچنان که محمد را قرآن دادی و او را چون علمی بر افراشتی تا راهنمای خلق به سوی تو باشد و به راهنمایی آل محمد راههای خشنودی خویش آشکار ساختی، پس بر محمد و خاندان او درود بفرست و قرآن را برای ما وسیله‌ای ساز که بدان بر شریف‌ترین منازل کرامت فرارویم، و نردبانی که بدان به جایگاه امن و سلامت عروج کنیم، و سببی که بدان رهایی در عرصه رستاخیز را پاداش یابیم و دست افزاری که بدان از نعیم دار المقام بهشت تمتع جویم.

بار خدایا، بر محمد و خاندان او درود بفرست و به یمن قرآن بار سنگینی گناهان از دوش ما بردار و صفات و خصال نیکانمان ارزانی دار و به راه آنان بر که در همه حال، شب هنگام و بامداد و شامگاه، برای رضای تو قرآن می‌خوانند و به کارش می‌بندند، تا به آب رحمتش ما را از هر آلودگی پاکیزه سازی و راه کسانی فرا پیشمان گذاری که از نور قرآن روشنایی جسته‌اند و آرزوها و خواهشهای نفسانی از کارشان باز نداشت تا به خدعه و فریب تباهشان سازد.

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و قرآن را در تاریکی شب مونس ما گردان و در برابر کششها و گرایشهای شیطان و خطرات و سوسه انگیز، نگهبان ما قرار ده. و چنان کن که قرآن پایهای ما را از سپردن راه معاصی باز دارد و زبان را از گفتن سخن باطل - بی‌هیچ آفتی که زبان را رسیده باشد - لال گرداند، و اعضا و جوارح ما را از ارتکاب گناهان مانع آید و طومار عبرتها را که به دست غفلت پیچیده شده پیش روی ما بگشاید، تا عجایب قرآن و مثلها و قصه‌های هشدار دهنده آن - که کوههای سخت از تحمل آن ناتوانند - به دل‌های ما راه یابد.

بار خدایا، بر محمد و خاندان او درود بفرست و به قرآن آراستگی ظاهر ما را دوام بخش و تطاول خاطرهای و سوسه‌انگیز از صفای ضمائر ما دور بدار و آلودگی از دل‌های ما بزدای و پیوند دل ما از گناهان

الصحیفه السجادیه / ترجمه آیتی، ص: ۲۵۴

بگسل و پریشانیهای ما به سامان آور و چون در گرمای طاقت سوز قیامت بازخواست را به پیشگاه تو می‌ایستیم، تشنگی ما تسکین ده و در روز رستاخیز - روز وحشت بزرگ - بر پیکر ما جامه ایمنی بپوش.

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و به یمن قرآن، بینوایی ما را به بی‌نیازی جبران نمای و زندگی خوش و فراوانی نعمت و وسعت رزق به ما عطا کن و ما را از صفات ناپسند و خصال نکوهیده دور دار و از فرو غلتیدن به گودال کفر و آنچه موجب نفاق است در امان دار، تا در قیامت رهنمای ما به سوی خشنودی و بهشت تو باشد و ما را در دنیا از سخط تو و تجاوز از حدود تو حفظ کند و احکام حلال و حرام تو را گواه باشد.

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و چون مرگ فرا رسد، به مدد قرآن بر ما آسان کن اندوه جان‌کندن را و رنج نالیدن را و به تنگنا افتادن نفسها را به هنگامی که جان به گلوگاه می‌رسد و در آن حال یکی گوید: آیا افسون‌کننده‌ای نیست؟ [۲] در این حال فرشته مرگ برای گرفتن جان، از درون پرده‌های غیب آشکار شود و از کمان مرگ تیرهای وحشت فراق به سوی او بگشاید و برایش جامی از زهر قتال مرگ بیامیزد و زمان رحیل و رخت بر بستن به سرای آخرت نزدیک شود و اعمال چونان قلاده‌هایی [۳] بر گردنها افتد و از آن پس تا روز رستاخیز گورها مأوای ما شود.

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و ورود ما را به آن سرای کهنه و درنگ دراز ما را میان طبقات خاک سرد بر ما مبارک گردان.

پس از بیرون شدن ما از دنیا، گورهای ما را بهترین منازل ما گردان و به

[۳] سوره ۱۷- آیه ۱۳

الصحیفه السجادیه / ترجمه آیتی، ص: ۲۵۵

فضل و رحمت خویش گورهای تنگ ما فراخ ساز و ما را در میان انبوه مردم که در عرصات گرد می‌آیند، به کیفر گناهان تباه کننده‌مان رسوا مساز.

ای خداوند، در آن هنگام که در پیشگاه تو به صف ایستاده‌ایم، به برکت قرآن بر خواری و بیچارگی ما رحمت آور و به هنگام گذشتن از پل لرزان جهنم ما را به قرآن ثبات بخش که پاهایمان نلغزد. ای خداوند، زان پیش که از گورمان بر انگیزی، ظلمت گورهای ما به قرآن روشنی بخش و از اندوه روز حساب و لحظات هول انگیز قیامت رهایی ده.

ای خداوند، در آن روز حسرت و ندامت که ستمکاران سیاه رویند، ما را سپید روی گردان و دوستی ما در دل‌های مؤمنان انداز و زندگی ما بر ما دشوار مگردان.

بار خدایا، درود بفرست بر محمد بنده خود و پیامبر خود، به پاس آنکه پیام تو به مردم رسانید و فرمان تو به آواز بلند در گوش خلق کشید و بندگانت را اندرزهای نیکو داد.

ای خداوند، چنان کن که نشستگه پیامبر ما، صلوات الله علیه و علی آله، در روز حشر از همه پیامبران نزدیک‌تر به تو باشد و شفاعتش از همه پذیرفته‌تر و منزلتش در نزد تو از همه فراتر و جاه و حشمتش از همه افزون‌تر باشد.

بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و بنای دین او از همه دین‌ها افراشته‌تر دار و برهان او عظیم‌تر گردان و ترازوی حسنات او سنگین‌تر نمای و شفاعتش بپذیر و مقرب خود گردان و روسپیدش فرمای و نورش به کمال رسان و درجتش فرا بر و ما را بر سنت او زنده بدار و بر دین او بمیران و در راه او سیر ده و بر طریقه او روانه دار و فرمانبردار او گردان و به گروه او در آور و بر سر حوض او بر و از جام او سیراب نمای.

الصحیفه السجادیه / ترجمه آیتی، ص: ۲۵۶

درود بفرست ای خدای من بر محمد و خاندان او، درودی که به برکت آن او را به برترین مایه از خیر و فضل و کرامت که امید می‌دارد برسانی، که عرصه رحمت تو بس پهناور است و تویی آن خدای بخشنده کریم.

بار خدایا، محمد را به پاداش رسانیدن پیامهای تو و عرضه آیات تو و اندرز دادنش به بندگان تو و جهاد در راه تو، جزای خیر ده، جزایی برتر از هر جزایی که ملائکه مقرب و پیامبران مرسل و برگزیده خود را داده‌ای. و السلام علیه و علی آله الطیبین الطاهرین و رحمه الله و برکاته.

### (و زواجر امثاله الخ)

اشاره بآیه شریفه است که میفرماید لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ حشر آیه ۲۱ و آیه شریفه إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَ أشفَقْنَ مِنْهَا وَ حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا احزاب آیه ۷۲ (و زواجر) سختیها و شدائد و عقوبات و بلیات است (امثاله) جمع مثل است و امثال قرآن قضایای امم سابقه که در اثر تکذیب انبیاء و عدم ایمان بعقوبات الهی هلاک شدند

### (التي ضعفت الجبال الرواسي على صلابتها)

کوه‌ها با این صلابت که دارند و استحکام آنها طاقت نیاوردند که موارد این تکالیف واقع شوند و در اثر مخالفت طاقت این عقوبات را ندارند چگونه انسان جاهل تحمل میکند با اینکه بسیار ضعیف است وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا نساء آیه ۳۳ طاقت یک پشه و

یک مورچه و یک گرسنگی و یک تشنگی و یک تب ندارد چگونه خود را در معرض عذاب شدید الهی در می آورد و إِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ رعد آیه ۷ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ ابراهیم آیه ۷ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ بروج آیه ۱۲ (عن احتمالاً) که قرآن مجید ما را باز دارد و از تحمل این عقوبات دنیوی و اخروی

### (اللهم صل على محمد و آله و ادم بالقرآن صلاح ظاهرنا و احجب به خطرات الوسوس عن صحتنا ضمائرنا)

بعد از صلوات می‌گویی پروردگارا ادامه بده بقرآن صلاح ظاهر ما را موفق شویم باعمال صالحه حجاب و مستور و دور فرما هر آن خطورات و وسوسه‌ای که مورت فساد قلب میشود از صحت طیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۱۵

و اغسل به درن قلوبنا و علائق اوزارنا بواطن ما ادامه صلاح ظاهر باینست که لیل و نهارا صباحا و مساء موفق باشیم از برکات قرآن باعمال صالحه که تمام اعضاء و جوارح ما مشغول عبادات و وظائف شرعیه باشد چشم و گوش و زبان و دست و پا هر کدام دستورات خود و البته کسی که موفق باشد بتلاوت قرآن و عمل بر طبق آن و تفکر در معانی آن چنین توفیقی نصیب او میشود پس از ذکر صلوات و حجاب پرده است که روی چیزی کشیده میشود مثل زنها که باید تمام بدن خود را از نامحرم پوشانند نه مثل امروزه که مکشوفات در جامعه بتمام زینت سیر میکنند و خطرات وسوس چه وسوس شیطانی و چه وسوس فساق و فجار و رؤساء و رفقاء و اهل ضلالت خطرات زیادی دارد سلب ایمان میکند و انسان را وادار بفسق و فجور و ظلم و تعدی و تجاوز و طغیان و هزار مفسده دیگر میکند و ضمائر بواطن انسان است که تعبیر بروح و قلب انسانیت است که در ابتداء امر پاک و پاکیزه و صحیح است و خطرات وسوس عقل را زائل میکند قلب را فاسد مینماید روح را کثیف میکند مگر بتوسط قرآن جلوگیری کند از این وسوس که در قلب تصرفی نکند و قلب محبوب باشد از آنها و توجهی نداشته باشد بآنها. و بشوران بقرآن چرکیها و کثافات قلوب ما را و علائق و دل‌بستگی بمعاصی و وزر و وبال اعمال ما را اشاره بآیه شریفه است که میفرماید إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ هود آیه ۱۱۶ و چه حسنه‌ایست بالاتر از قرآن و خداوند تطهیر مینماید و آیه شریفه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ انفال آیه ۲۹ غسل شستن و تطهیر است و طهارت اقسامی دارد، طهارت خبیثه که اشیاء خارجی را که منتجس شده بنجاسات تطهیر میکنند و مطهرات بسیار است در فقه کتاب طهارت متعرضند طهارت حدیثیه، حدث اصغر بوضوء و تیمم بدل از وضوء و غسل جنابت رفع میشود و حدث اکبر مثل جنابت و حیض و نفاس و بعض اقسام استحاضه و مس میت و میت که بغسل یا تیمم بدل از غسل رفع میشود و طهارت از معاصی که طیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۱۶ و اجمع به منتشر امورنا و ارو به فی موقف العرض علیک ظما هو اجرنا

بتوبه و اعمال حسنه و به بلیات و امراض و استغفار ملائکه و انبیاء و ائمه اطهار و مؤمنین و سایر وسائل رفع میشود و طهارت روح انسانی از اخلاق رذیله و صفات خبیثه که بتذکیه نفس و تخلق باخلاق حسنه و صفات حمیده رفع میشود و طهارت قلب از عقائد فاسده و مذاهب باطله و وسوس شیطانیه و خیالات سوء که بایمان و تقوی و اعمال صالحه رفع میشود و این جمله راجع بطهارت قلب است و درن چرکیهای قلب میباشد بمعاصی و کفریات و علائق دل‌بستگیها.

و چون معاصی و کفریات در نظر بسیاری لذت دارد نوعا علاقه پیدا میکند و بریدن این علائق بعلم و معرفت و نظر بعواقب آن میشود و قرآن مجید مشتمل بر جمیع اینها است و تمام اقسام را بیان فرموده:

انتشار پراکنده کیست و امور کارهای لازمه و مهمه و مباحه مثل کسب و تجارت و معاشرت و سایر امور و امروز نوع مردم سر بگریبان و پریشان و امورات آنها درهم و برهم خورده راه بجایی ندارند جز توجه بخدا و توسل برسول الله و بائمه اطهار و تمسک بقرآن که خداوند کارهای آنها را اصلاح فرماید



**(و اَرُوْهُ فِي مَوْقِفِ الْعَرْضِ عَلَيْكَ ظَمًا هُوَ اجْرَانَا)**

و سیراب کن ما را بواسطه این قرآن مجید در موقف قیامت که تمام خلق عرضه میشوند بر تو تشنگی‌ها ما را صحرای محشر که خورشید یک نی بالای سر اهل محشر است و نور او گرفته شده و حرارتش بر صحنه محشر تابیده و زمین مثل کوره حدادی آتش فشان است و آتش جهنم حلقه میزند دور اهل محشر و ملائکه غضب الهی دور آنها را حلقه میزند طبقه طبقه که میفرماید فَاِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ وَ خَسَفَ الْقَمَرُ وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ يَقُولُ الْاِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ اَيْنَ الْمَفْرُودُ مَدْرُ آیه ۷ الی ۱۰- عطش باهل محشر شدت میکند و هر چه طلب آب میکنند از حمیم جهنم بآنها میدهند که میفرماید اِنَّا اَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِيْنَ نَارًا اَحَاطَ بِهَمَّ سِرَادِقُهَا وَ اِنْ يَسْتَعْثِبُوْا يَغَاثُوْا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوْهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَ سَاءَتْ مُرْتَفَقًا كهف آیه ۲۸- لکن انبیاء و اوصیاء و صلحاء در طرف راست محشر بزییر سایه عرش کنار نهر کوثر پای اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۱۷

و اکسنا به حلل الامان يوم الفرع الاكبر فی نشورنا اللهم صل علی محمد و آله و اجر بالقرآن خلتنا من عدم الاملاق و سق الينا به رغد العیش و خصب سعة الارزاق

منبر وسیله رسول الله تحت لوای حمد امیر المؤمنین و نسیم بهشت سیراب هستند عرض میکنی پروردگارا ما را ببرکت قرآن مجید سیراب فرما در آن موقف تشنگی ما را و ما را جزو این طایفه قرار ده بلکه از آب رحمة خود ما را سیراب فرما که ما را مشمول جمیع رحمت خود قرار دهی.

و بپوشان ما را ببرکت قرآن حله‌های امان را روزی که فرع اکبر است در موقعی که ما از قبر بیرون می‌آییم و منتشر میشویم کسانی که وارد محشر میشوند سه صنف هستند یک صنف عریان و برهنه با غل و زنجیر و صورت سیاه اهل عذاب و یک صنف با کفن‌های خود مؤمنین و اهل نجات و یک صنف با حله‌های بهشتی مقربین و صلحا و مؤمنین و حله‌های امان بشاراتی که بآنها میدهند که در مهد امان هستید و هیچگونه ابتلائی ندارید مثل قوله تعالی اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ اَلَّا تَخَافُوْا وَ لَا تَحْزَنُوْا وَ اَبْسُرُوْا بِالْجَنَّةِ الَّتِيْ كُنتُمْ تُوعَدُوْنَ فصلت آیه ۳۰- و غیر این از آیات بسیار

**(اللهم صل علی محمد و آله و اجر بالقرآن خلتنا من عدم الاملاق)**

بعد الصلوات می‌گویی برطرف فرما و زائل نما تنگ دستی ما را از نداری و فقر و بیچارگی ببرکت قرآن مجید، اجبار از ماده جیره است که بر روی زخم گذارده میشود برای رفع زخم و مرض، و یکی از امراض بزرگ فقر است که گفتند

**(الفقر سواد الوجه فی الدارین)**

فقر بلای بزرگیست و بسیاری از فقراء مشاهده میشود که کار آنها بکفر و عدم رضایت از خدا و العیاذ بالله نسبت ظلم بخدا میدهند و در مقام علم باحکام و عمل بواجبات شرعیه نیستند و دربند حلال و حرام نیستند، می‌گویی پروردگارا این بلای فقر و پریشانی و بیچارگی را از ما برطرف فرما ببرکت قرآن مجید که باعث ایمان و تقوای ما باشد که می‌فرمایی وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُرَى اٰمَنُوْا وَ اٰتَقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْاَرْضِ اعراف آیه ۹۴ اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۱۸

و جنبنا به الضرائب المذمومة و مدانی الاخلاق و اعصمنا به من هوة الكفر و دواعی النفاق حتی یکون لنا فی القيامة الی رضوانک و جنانک قائدا و لنا فی الدنيا عن سخطک و تعدی حدودک ذائدا

و سوق بده و بفرست بسوی ما ببرکت قرآن گشایش زندگانی را و فراوانی و توسعه روزی را (تنبیه) غنی و فقر هر دو امتحان بندگانست اگر در اثر فقر یا غنی دست از وظائف خود برداشتند هر دو نعمت بزرگیست در غنی شکر گزار و در فقر صبر و

شکیبایی دارد، در خبر است که خداوند متعال در قیامت از فقراء مؤمنین عذرخواهی میکند که من در دنیا بشما ندام برای این بود که دنیا قابل شما نبود و امروز بازان آن نظر کنید چه نعمتهایی بشما عنایت میکنم، در روایت دارد که فقراء آرزو میکنند ای کاش در دنیا کسی بما یک لقمه نان نداده بود تا عوض آن را در اینجا بما بدهند و هم چنین غنی که چه اندازه عبادات مالی داریم که اغنیاء موفق میشوند از زکوات و احماس و صدقات و زیارات و حج و اعلاء کلمه اسلام و صرف فی سبیل اللّٰه که فقراء محروم هستند حتی خدمت حضرت رسالت عرضه داشتند که ما از این عبادت محروم هستیم حضرت ادعیه تعلیم آنها فرمود که ثواب این عبادت را داشته باشند، اغنیاء فرا گرفتند بآن ادعیه عمل کردند فقراء باز شکایت کردند حضرت فرمود

### (ذلک فضل من اللّٰه)

و اما اگر موجب هلاکت و کفر شود که میفرماید کَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ ۚ ۷- بدترین بلاها است. و دور فرما از ما بوسیله قرآن روش و خواهی نکوهیده و پستیهای صفات خبیثه- ضرائب جمع ضرب بمعنی رفتار و کردار انسان اگر نیکو باشد ممدوح است و اگر پست و رذل باشد کردار و رفتار بد است و منفور است عند اللّٰه و عند الناس و عمل بقرآن انسان را از این نوع افعال باز میدارد- و مدانی از ماده دنی یعنی پست و رذل است و اخلاق بصفات نفس است اگر متصف باشد و صفات حمیده و اخلاق پسندیده کمالات نفسیه است و اگر متصف باشد بصفات رذیله و اخلاق خبیثه عیوب نفسانیه است می گویی پروردگار دور فرما از ما این صفات و رذائل و عیوب نفسانیه اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۱۹

و لما عندک بتحلیل حلاله و تحریم حرامه شاهدها

را ببرکت قرآن

و اعصمنا به من اسوء الکفر و دواعی النفاق حتی یکون لنا فی القیامه الی رضوانک و جناتک قائد او نگاهدار ما را ببرکت قرآن از هفوات کفر و داعیه های نفاق تا بوده باشد قرآن از برای ما در قیامت بسوی رضای تو و بهشت قائد و راننده- هوه از هوی است بمعنی افتادن و پرتاب شدن در کفر که اسباب کفر ما را از ایمان اخراج نکند و در چاه ضلالت و کفر نیندازد و اسباب نفاق ما را از دین خود بیرون نکند تا اینکه قرآن و عمل بآن ما را بکشد بچیزهایی که موجب رضا و خشنودی تو و وسیله سعادت و رستگاری و نیل به بهشت تو باشد

### (و لنا فی الدنیا عن سخطک و تعدی حدودک ذائدا)

و این قرآن از برای ما در دنیا از چیزهایی که موجب سخط و غضب تو میشود و از تعدی و تجاوز از حدودی که معین فرموده‌ای جلوگیری باشد اموری که موجب سخط و غضب الهی میشود اقسامی دارد- یک قسم راجع بقلب است از شرک و کفر و ضلالت و بدعت در دین و انکار ضروریات دین و مذهب و یک قسم راجع به نفس است از ملکات نفسانیه خبیثه مثل کبر و عجب و عناد با اهل حق و عداوت و ظلم بآنها و غیر اینها از رذائل اخلاقیه و یک قسم راجع بمعاصی کبیره است که حدود هفتاد معصیه کبیره داریم و ما در جلد سیم کلم الطیب در کتاب عمل الصالح تذکر داده‌ایم و چیزهایی که موجب تعدی از حدود الهی میشود آنست که خداوند نسبت بجمع امور از عقائد و اخلاق و افعال انسانی حدی معین فرمود زیاده روی در آن یا کوتاهی در آن تعدی از حد است و سبیل شیطانیت و بیرون رفتن از صراط مستقیم الهیست که میفرماید وَ أَنْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ انعام آیه ۱۵۴- و این صراط نمونه صراط قیامت است که بر روی جهنم کشیده شده اگر در دنیا تعدی نمود در آخرت هم لغزش پیدا میکند و از برای ما در پیشگاه تو به اینکه حلال بدانیم آنچه را قرآن حلال فرموده و حرام بدانیم آنچه را که حرام فرموده شاهد باشیم وای بحال امروزه که چه اندازه از حلالهای قرآن را حرام دانستند و چه

اندازه از اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۲۰

اللهم صل علی محمد و آلہ و هون بالقرآن عند الموت علی انفسنا کرب السیاق و جهد الاتین و ترادف الحشارج اذا بلغت النفوس التراقی و قیل من راق

حرامهای آن را حلال شمردند نظر کنید در قوانین امروزه در باب میراث و ازدواج و طلاق و تجارات و معاملات و لحوم و مشروبات و حدود و دیات و سایر آنچه در قرآن معین فرموده و با قرآن تطابق کنید چقدر مخالفت دارد چه در حلالهای او و چه در حرامهای او بکلی نقطه مقابلست و بعد صلوات می‌گویی پروردگارا آسان فرما بقرآن مجیدت نزد مرگ ما سختی جان دادن را که براحتی قبض روح ما بشود، در اخبار داریم موقعی که اجل مؤمنین میرسد و حال احتضار پیدا میشود ملائکه رحمت می‌آیند و باو بشارت میدهند و جای او را در بهشت باو نشان میدهند و وجود پیغمبر اکرم و ائمه اطهار تشریف می‌آورند و باو خبر میدهند که می‌آیی نزد ما و با ما محشور میشوی و ملک الموت از او اجازه می‌گیرد و مثل گلی که بدست او دهند قبض روح او میشود همین نحوی که لذت میبرد اما کفار و معاندین ملائکه غضب می‌آیند و جای او را در جهنم نشان میدهند و پیغمبر و ائمه دستور بسختی جان دادن او میدهند مثل اینکه میل آسیا را در تخم چشم بگردانند و اعضاء او را از هم جدا کنند و روح او را با شیاطین و اهل عذاب در برهوت معذب میکنند

اللهم اجعلنا من الاولین و لا تجعلنا من الاخرین

و آسان فرما بقرآن سختی و شدت ناله‌های زمان جان دادن و زیادتی و دنبال یکدیگر نفس کشیدن زمانی که برسد روح تا بگلو و گفته میشود کیست که جلوگیری کند از مرگ و شفا بخشد، یکی از تفضلات الهی اینست که در مورد قبض روح از سر انگشتان پا شروع میشود و می‌آید بالا تا بگلو و دهان برسد و از کلیه بدن خارج شود تا بتواند در حال جا ندادن متوجه شود و بسا بذکر لا اله الا الله یا صلوة یا دعا طلب مغفرت یا سایر اذکار و ادعیه موفق شود که گفتند آخرین کلام صدیقیه طاهره  
لا اله الا الله

بود و آخرین کلام پیغمبر (ص)

رب امتی

و آخرین کلام امیر- المؤمنین

فزت برب الکعبه

و آخرین کلام حضرت مجتبی

بالرفیق الاعلی

و آخرین کلام ابی عبد الله الحسین (ع)

الهی رضا بقضائک صبرا علی بلائک لا معبود سواک یا غیاث المستغیثین

اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۲۱

و تجلی ملک الموت لقبضها من حجب الغیوب و رماها عن قوس المنایا باسهم وحشهُ الفراق

و بعضی گفتند

استقونی قبل طلوع روحی

و بعضی گفتند آخرین کلام پیغمبر

مالی و لیزید ابن معویه

بوده و آنچه بنظر می‌آید چون ابی عبد الله روی سینه پیغمبر بود حضرت چشم باز کرد بلب و دندان حسین بنظر آورد از چوب

خیزران یزید.

باری در اینحال نفس بشماره میافتد و روح گلوگیر میشود و محتضر بناله میافتد مگر بركات قرآن، خداوند آسان فرماید و مکرر گفته شده که انسان چهار روح دارد روح نباتی از کار میافتد، روح حیوانی که بخاریست تمام میشود، روح انسانی که قبض میشود و تعلق بقلب مثالی میگیرد، و روح ایمانی که در کنف الهی محفوظ میماند

### (و قیل من راق)

پرستاران اطراف محتضر تصور میکنند که حالت غش رخ داده در طلب طیب و دارو و آمپول برمیآیند و خبر ندارند از آیه شریفه که میفرماید فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ اعراف آیه ۳۲- یا در مقام دعاء و طلب شفا برمیآیند یا خود محتضر طلب تأخیر اجل میکند که در قرآن میفرماید وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ وَلَنْ يُؤَخَّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجْلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ منافقون آیه ۱۱ و ۱۱ بلکه شماره نفستها تمام شده و روزی‌ها خاتمه پیدا کرده و کارخانه تعطیل شده و ظاهر میشود ملک الموت حضرت عزرائیل با اعوان آن از ملائکه موکل قبض روح از پس پرده‌های حجاب که از نظرها غائب بودند و تیر اجل را از کمان مرگ میاندازند و محتضر وحشت پیدا میکند و مشاهده میکند که، الآن از ریاست و مال و جاه و خانه و زندگی و اهل و عیال و زن و فرزند و احباء و اصدقا جدا میشود و فراق واصل میگردد ملائکه بصورت اصلی خود مشهود انسان نیستند چنانچه ملکین رقیب و عتید و ملائکه نگهبان انسان و ملائکه که الهامات در قلب میکنند مشاهده نمیشود بلکه در مجالس مؤمنین و مراکز دعاء حاضرند و بر دعاء مؤمنین آمین میگویند و برای آنها استغفار میکنند و در اماکن مشرفه اطراف ضریح اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۲۲

و داف لها من ذعاف الموت کاسا مسمومه المذاق و دنا منا الی الاخره رحیل و انطلاق

هستند و غیر اینها ولی دیده نمیشوند لکن میتوانند خود را متشکل نمایند باشکال مختلفه و در نظر بیایند و ملک الموت بصورت‌های مختلف بر محتضر وارد میشود و محتضر او را می‌بیند بر مؤمنین بصورت باز و نیکو و خوش وارد میشود و بر غیر مؤمن بصورت مهیب منکر با حال غضب وارد میشود و تا قبل از احتضار در عقب حجابها مستور و غائب است لکن یکی از خصوصیات و حالات محتضر اینست که پرده‌ها از روی چشمش برطرف میشود و آن عالم را مشاهده میکند جای خود را در بهشت یا جهنم به بیند ملائکه رحمت و مبشر با ملائکه غضب و منذر را مشاهده میکند انوار مقدسه را نظر میکند از نیکویی

### (و تجلی ملک الموت)

خود را جلوه میدهد لقبضها و میگوید آمده‌ام برای قبض روح تو

### (و من نزعات الشیطان و خطرات الوسوس حارسا)

(دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند) اشاره بآیه شریفه است فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ نحل آیه ۱۰۰ و ۱۰۱.

و از اینجهت مستحب است قبل القراءه استعاذه حتی در نماز پس از تکبیره- الاحرام قبل از شروع در فاتحه الكتاب استعاذه کنند و نزعات شیطان وسوس او است که گفتند قلب دو راه دارد یکی رو بملائکه است الهامات الهی میکنند و یکی رو بشیاطین است وسوس شیطانی و اختیار هر دو درب بدست انسان است میخواهد درب ملائکه را باز میکند و درب شیاطین را می‌بندد و میخواهد عکس میکند لذا خداوند بشیطان میفرماید إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنْ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ فجر آیه ۴۲ و میفرماید إِنَّمَا

سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ نحل آیه ۱۰۲ (و خطرات الوسوس که انسان را در چاه ضلالت میاندازد و خسران دنیا و آخرت دارد خداوند تفضل فرماید که ببرکت قرآن از وسوس و خطرات محفوظ باشیم.

که معنای (حارسا) است (و لأقدامنا الخ) و قرآن مجید جلوگیری کند ما أطيّب البيان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۱۳ و لجوار حنا عن اقرار الانام زاجرا و لما طوت الغفلة عنا من تصفح الاعتبار ناشرا

را از اینکه قدمی رو بمعاصی نرویم اشاره بثبات قدم است که انسان رو بکفر و ضلالت و معاصی نرود، دین او ثابت و مستقر باشد که با دین حق از دنیا برود مستودع نباشد که العیاذ باللّه هنگام رفتن از دست دهد و بی دین از دنیا برود و اسباب زوال دین بسیار است یکی آنکه می بیند از مال و منال و جاه و مقام خود و ریاست و عنوان زائل میشود و آنچه داشته از دست میدهد العیاذ با حال غضب و بغض و عداوت با خدا جان میدهد چه بسیار مشاهده کرده ایم که بسیاری از ضعفاء ایمان باندک بلائی مثل امراضی یا ذهاب مالی یا موت احدی از بستگانش مثل اولاد و غیر آنها با خدا عداوت پیدا میکنند چه رسد بموت خود و خداوند ببرکت قرآن و تلاوت آن و عمل بدستورات آن این آفات را از او برطرف میکند و ثبات قدم پیدا مینماید در حدیث است که مؤمن تا اجازه ندهد قبض روحش را نمیکند، بعضی از مؤمنین بفوریت اجازه میدهند که از این کثافات دنیوی خلاص شوند و بعضی بواسطه علاقه بدنی اجازه نمیدهند خطاب میرسد که جای او را در بهشت بآن ارائه دهند چون مشاهده میکنند اجازه میدهند بفوریت

### (و سلما نخرج فيه الى محل السلامة)

سلم نردبانست و عروج بالا رفتن است و از همین باب است معراج پیغمبر، آن قدر بالا رفت که هیچ ملک مقربی و نبی مرسلی بآن پایه نرسیده که تعبیری بالاتر از کلام الهی نیست میفرماید ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ أُطْيَبِ الْبَيَانِ فِي تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۰۹ و سببا نجزی به النجات فی عرصه القیمه و ذریعه تقدم بها علی نعيم دار المقامه اللهم صل علی محمد و آله و احطط بالقرآن عنا ثقل الاوزار.

قَوَسَيْنِ أَوْ أَدْنَى النجم آیه ۸ و ۹ نزدیکتر از قاب قوسین چیست جز خدا و رسول درک نمیکند و محل السلامه اینست که از کلیه بلاهای دنیوی و اخروی مصون و محفوظ باشد حتی حین موت و در قبر و عالم برزخ و صحرای قیامت و موقف حساب و پای میزان و عبور از صراط و وقوف در صحرای محشر و از عذاب الهی و سایر ناراحتی ها.

و سلام یکی از اسامی الهیست که میفرماید هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيِّمُنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ حشر آیه ۲۳ چون خدای متعال از کلیه عیوب و نواقص منزّه و مبراست و جامع جمیع کمالات از صفات کمالیه و جمالیه است و یکی از تحیات بسیار مهم سلام است که صد حسنه دارد، نود و نه حسنه برای سلام کننده است و یک حسنه برای جواب دهنده و واجب است جواب سلام، آن تحیه اهل بهشت است که میفرماید وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ابراهیم آیه ۲۸ و خزان بهشت میگویند سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ زمر آیه ۷۳ و غیر اینها از آیات.

### (و سببا نجزی به النجاه فی عرصه القیمه)

اطلاق جزاء بر ثنوبات مجرد قابلیت است نه اینکه طلب و عوض اعمال صالحه باشد زیرا اگر تمام اهل عالم مؤمن باشند و اعمال صالحه بجا آورند خردلی بر خدایی او افزوده نمیشود و مقابلی بانعم الهی نمیکند و حق شکر آنها را اداء نکرده با اینکه توفیق شکرگزاری هم نعمت بزرگیست آنچه خداوند در دنیا و آخرت به بندگان عطا میفرماید فقط تفضل است.

ایمان و صفات حمیده و اعمال صالحه و تقوای از معاصی قابلیت تفضل میآورد و یکی از اسباب مهم که قابلیت میآورد قرآن مجید است و یکی از شفعاء قیامت است و چون بنده گان غیر از معصومین خالی از تقصیر نیستند و استحقاق عقوبت دارید لکن اسباب

مغفرت الهی هم بسیار است چه در دنیا بترک کبائر و بتوبه و به بلیات اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۱۰

### (و هب لنا حسن شمائل الأبرار)

دنیوی و بدعاء مؤمنین و بتوسل بائمه طاهرین و باعمال صالحه و چه در آخرت بشفاعت شفعاء و بحمل معاصی بر ظالمین بآنها و معاندین و سایر اسباب نجات عرض میکنی پروردگارا قرآن را سبب نجات از کلیه عقوبات من قرار ده.

### (و ذریعه تقدم بها علی نعیم دار المقامه)

دار مقامه بهشت است و نعیم نعمتهای او است و ذریعه وسیله است و مکرر گفته‌ایم که اهل ایمان بالاخره نجات پیدا میکنند و به بهشت نائل میشوند لکن بسا در صحرای محشر مدّه مدیدی باید توقف کنند می‌گویی خداوندا قرآن را وسیله و ذریعه قرار داده که ما پیش از سایرین وارد بهشت شویم و مقدم بر آنها باشیم.

### (اللهم صل علی محمد و آله و احطط بالقرآن عنا ثقل الاوزار)

پس از صلوات بر محمد و آل می‌گویی حط برداشتن بار سنگین است از پشت و ثقل سنگینست و وزر گناه است، می‌گویی پروردگارا گناهان ما را که بار ما را سنگین کرده بیرکت قرآن و تلاوت آن از پشت ما بینداز اشاره بمغفرت الهیست و گذشت از آن معاصی خداوند تفضلاً از نامه عمل محو میفرماید و بجای آن حسنات مینویسد و از نظر ملائکه کتبه و حفظه میبرد که احدی نیست شهادت دهد میفرماید اِلَّا مَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ اِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَ مَقَامًا فَرَقَانَ آیه ۷۱ الی ۷۶ فردای قیامه بندگان بصور مختلفه وارد محشر میشوند ابرار که انبیاء و اولیاء و مؤمنین و صلحاء باشند با صورت نورانی و زیبا که حتی دارد اهل بهشت تمام (جرد مرد) پیر مردان و پیر زنان جوان میشوند سیاه‌ها سفید میشوند عجزه سالم میشوند صورتهای نورانی میشود که میفرماید یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا اِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تحریم آیه ۸ و میفرماید وَ أَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَتِ اللَّهِ هُمْ أَطِيبُ الْبَيَانِ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، ج ۱۴، ص: ۳۱۱

و اقف بنا آثار الذین قاموا لك به آناء الليل و اطراف النهار حتی تطهرنا من کل دنس بتطهيره و تقفو بنا آثار الذین استضاء بنوره و لم يلهم الامل عن العمل فيقطعهم بخدع غروره

فِيهَا خَالِدُونَ آل عمران آیه ۱۰۳ و اما اشرار با صورۀ سیاه برگشته بعقب سر غل بگردن دستها بزنجیر بسته که میفرماید فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ آل عمران آیه ۱۰۲ و میفرماید وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ زمر آیه ۶۱.

### (واقف بنا الخ)

اشاره بآیه شریفه است که میفرماید قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا مزمل آیه ۲ و ۳ و ۴ اشاره به اینکه تلاوت قرآن در شب و روز چه در نمازهای فرائض و نوافل و چه در خارج نماز باعث میشود که انسان از کثافت معاصی و اخلاق رذیله و وساوس شیطانیه پاک و پاکیزه میشود لکن طلب میکنی که خداوند این توفیق را عنایت فرماید که ما هم جزو چنین کسان باشیم و محشور شویم بآنها.

**(و تقفوا بنا آثار الذین استضاء بنوره)**

و عنایت فرما بما آثار کسانی که بنور قرآن قلبهای آنها روشن شده روشنائی بنور قرآن عمل بر طبق آنست که هر چه انسان غور کند در قرآن و کوشش کند در معانی او معرفتش زیاد میشود و عقیده‌اش محکم میگردد و ایمانش قوی میشود و عملش بالا میزند و قلبش روشن میگردد و دین او مستقر میشود در صورتی که بر طبق دستورات او رفتار نماید و اثر تابع مؤثر است مثل شفاء که تابع دوا است و مؤثر قرآنست که اثرش نورانیت قلب است و راهنمای حق و حقیقت است.

**(و لم یلههم الا مل عن العمل فیقطعهم بخدع غروره)**

و از کسانی قرار ده که آمل و آرزوهای دنیوی او را باز ندارد از عمل بوظائف دینی پس صدا کند او را بخدعه‌ها و فریب خورد و در چاه ضلالت بیفتند قرآن جلوگیری کند مرا از این خدعه‌ها و فریب‌ها و آمل و آرزوها. اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۱۲

اللهم صل علی محمد و آله و اجعل القرآن لنا فی ظلم اللیالی مونساً و من نزعات الشیطان و خطرات الوسوس حارساً. و لأقدامنا عن نقلها الی المعاصی حابساً و لالستنا عن الخوض فی الباطل من غیر آفة مخرساً  
در قرآن در دل‌های شب بتلاوت و قرائت و استفاده از فرمایشات او انس بگیریم چنانچه قبلاً اشاره شد بآیات سوره تنزیل و چیز دیگر برابر قرآن اختیار نکنیم که در این صورته شب را تا سحر اشتغال بقرائت روزنامه‌ها و مقالات و بتماشاخانه‌ها و سینماها و بمجالس لهو و بعد بقمار و شراب و رقص، و خوبان از کسبه بحساب و دفتر و سایر امور مباحه طی میکنند.

**(و لا لستنا عن الخوض فی الباطل من غیر ما آفة مخرساً)**

که زبان ما بچیزی که موجب زوال ایمان با استحقاق عذاب شود با کلمه کفرآمیز از او صادر شود نگردد که دارد در حدیث اکثر اهل جهنم بواسطه زبان معذب میشوند بسا بیک کلمه کافر میشود یا مستحق عذاب مثل دروغ و غیبت و فحش و زخم زبان و غیر اینها خداوندا بحق محمد و آل محمد و قرآن مجید ما را از اینگونه خطرات حفظ فرما.  
انسان لازم و واجب است از قضایای امم سابقه و پیشامد روزگار که هر روز بیک رنگیست و حوادث دهر عبرت بگیرد که اهل ایمان و صلحاء و اهل تقوی مورد چه تفضلاتی شدند و میشوند و اهل شرک و کفر و ضلالت و ظلم و معاصی بچه بلیاتی و عقوباتی گرفتار شدند و هلاک شدند و لکن غفله انسان را باز میدارد.

از این عبرت گیری و تمام این قضایا را حمل بر طبیعت میکند و غفله تمام اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۱۴  
و زواجر امثاله التي ضعفت الجبال الرواسی علی صلابتها عن احتمالها اللهم صل علی محمد و آله و ادم بالقرآن صلاح ظاهرنا و احجب به خطرات الوسوس عن صحه ضمائرنا  
اطراف انسان را احاطه میکند که معنای طوت است و چیزی که این غفلت را از انسان دور میکند و زایل مینماید قرآن مجید است و نشر میدهد

**(حتی توصل الینا فهم عجائبه)**

پس از اینکه این موانع از قلوب و جوارح برطرف شد و تمام توجه بقرآن مجید شده پروردگارا ما را واصل فرما بفهم عجائب قرآن اموری که باعث تعجب میشود از امور غیبیه قرآن مجید.

**(واجعل القرآن وسیله لنا الی اشرف منازل الکرامه)**

درجات ایمان و تقوی بسیار است هر چه ایمان قویتر و تقوی بیشتر باشد احترامش نزد خدا زیادتر میشود که میفرماید إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ حجرات آیه ۱۳ و دار الکرامه بهشت است که اهل بهشت در پیش گاه الهی و در نزد ملائکه و خزان بهشت و غلمان و حور العین و نزد انبیاء و اولیاء محترم هستند و قرآن وسیله رسانیدن بندگان است با علی درجات بهشت و الشرف منازل کرامت که منزل گاه انبیاء و اوصیاء و مقربین است که می‌گویی قرآن وسیله شود که من با آنها محشور شوم و در منازل آنها جای گیر کردم.

**(اللهم وکما نصبت به محمدا علما للدلالة علیک وانهجت بآله سبل الرضا الیک فصل علی محمد و آله)**

زمانی که پیغمبر اکرم مبعوث برسالت شد سر تا سر دنیا را شرک و بی‌دینی پر کرده بود علم توحید را او برافروخت و بیانگ بلند فرمود

(قولوا لا اله الا الله تفلحوا)

و قرآن مجید را آورد و طریق خداشناسی را نشان داد و آنچه باید و شایسته بود بیان فرمود لکن پس از رحلتش منافقین طرق ضلالت را بمردم و مسلمین تزریق کردند که فرمودند:  
(ارتد الناس بعد رسول الله (ص) الا اربعة او خمسة)

و غضب الهی را بر خود اختیار کردند که میتوان گفت صد درجه از شرک و کفر و لا مذهبی سخت‌تر و بالاتر بود لکن ائمه هدی آل رسول الله تا اندازه‌ای که ممکن بود طرق رضای او را بمردم نشان دادند پس البته شایسته صلوات و درود بر او و آل او.

**(و لا یلتمس الهدی فی غیره)**

مثل ارباب مذاهب باطله که از غیر قرآن طلب هدایت میکنند مانند یهود که از این توریه رایج و کتب عهد قدیمشان طلب هدایت میکنند و نصاری از اناجیل اربعه و کتب عهد جدید خود طلب میکنند و جوانان امروزه از تقلید اروپا طلب میکنند و اهل ضلالت از رؤساء خود مثل خلفاء ثلاث و جماعتی از باب و بهاء و شیخیه از شیخ احمد و غیر اینها و بسیاری از شیطان (ترسم أظیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۰۸)

واجعل القرآن وسیله لنا الی اشرف منازل الکرامه و سلما نخرج فیہ الی محل السلامه

نرسی بکعبه‌ای اعرابی) بلکه یقین دارم که نمیرسی (این ره که تو میروی به ترکستان است) بلکه بجهنم است.

**(الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا)**

و اگر معاصی و صفات خبیثه صفحه قلب را سیاه نکرده باشد که در چشم بسته نشده باشد اگر این موانع برطرف شود ممکن است اینکه مصداق

**(و یتصبح بمصباحه)**

مصباح چراغ است و لایله و لام و چیزهایی که روشنایی میدهد مأخوذ از ماده صبح است که عالم را روشن و استصبح طلب



روشناییست که از نور او استضاءه کنند و این دارای شرایطی است یکی آنکه انسان کور نباشد زیرا کور استضاءه نمیکند. دیگر آنکه خواب نباشد. سیم آنکه روی چشم بسته نباشد.

چهارم آنکه حاجبی بین او و چراغ مثل جدار و نحوه نباشد. پنجم چشمش باز باشد و استصباح از مصباح قرآن هم این شرایط را لازم دارد اگر چشم قلب کور باشد نمیتواند استضاءه کند مثل کفر و نفاق و شرک و ضلالت که میفرماید صُمُّ بَكُمُ عُمَى فَهَمُّ لَا يَرْجِعُونَ بقره آیه ۱۷ فَهَمُّ لَا يَعْقِلُونَ بقره آیه ۱۶۶ اگر روی چشم را هوی و هوس و حب جاه و منال دنیا بسته باشند باز نمییند که میفرماید وَ جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهَمُّ لَا يُبْصِرُونَ یس آیه ۸ و میفرماید فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ حج آیه ۴۵ و میفرماید وَ جَعَلَ عَلَى بَصِيرِهِ غِشَاوَةً جاثیه آیه ۲۲ و اگر خواب غفلت او را گرفته باشد نمی بیند که فرمودند

### (و یقتدی یتبلج اسفاره)

تبلج درخشندگیست و اسفار روشنایی قرآن درخشندگی است و روشنایی آن علم بحقایق آن است می گویی پروردگارا مرا قرار بده از کسانی که اقتداء کنم بدرخشندگی علوم قرآن در باب جماعت باید مأمومین اقتداء کنند بامام جماعت با او رکوع و سجود و قیام و قعود و ذکر و تشهد و سلام دهند نه جلو بیفتند و نه عقب در باب دین هم لازم است اقتداء کنند بقرآن و بائمه هدی هر چه اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۰۷

و یتستصح بمصباحه و لا یلتمس الهدی فی غیره اللهم فکما نصبت به محمدا علما للدلالة علیک و انهجت بآله سبل الرضا الیک فصل علی محمد و آله

میگویند اطاعت کنند و هر چه میکنند عمل نمایند نه زیاده روی که بدعت در دین بگذارند و نه کوتاهی که یکی از امور دین را منکر شوند.

### (و یهتدی بضوء صباحه)

دنیا مثل شب بر اهل دنیا تاریک است و جهل و نادانی و کثره معاصی قلب را تاریک میکند و همین نحوی که سفیده صبح طالع میشود ظلمت شب را میرد که در قرآن میفرماید قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَمْ لَا تَشْعُرُونَ قصص آیه ۷۱- همین نحو اگر دین مقدس اسلام نبود و قرآن مجید نازل نشده بود و بیانات ائمه هدی نبود مردم در ظلمت جهل بودند چنانچه در دوره جاهلیت پس از عیسی (ع) الی زمان حضرت خاتم و بعثت آن حضرت و نزول قرآن سرتاسر دنیا را جهل احاطه کرده بود یهود از یک طرف نصاری از یک طرف مشرکین از یک طرف طبیعی از یک طرف آتش- پرست آفتاب پرست ستاره پرست بت پرست و و ... و اگر معدودی قلیل مثل اوصیاء ابراهیم و عیسی و مؤمنین بآنها در میان مردم بودند مقهور و مستور بودند اسلام و قرآن آمد که ظلمت جهل را از بین برد اما برای کسانی که زیر بار اسلام و تمسک بقرآن بودند و بدبختانه در این دوره زمان دارد روز بروز ظلمت جهل ازدیاد پیدا میکند و مردم از نور اسلام و ایمان و قرآن بهره برداری نمیکنند تا ظهور حضرت بقیه الله که بیاید و این تاریکیها را برطرف کند.

### (و یسکن فی ظل جناحه)

تشبیه است بطیور که جوجه‌های خود را زیر بال خود نگاه میدارند که از خطرات دشمن و از آفت‌ها محفوظ باشند اشاره به اینکه اُطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۰۶

و یهتدی بضوء صباحه و یقتدی یتبلج اسفاره  
قرآن مجید مرا زیر بال خود نگاه دارد که از خطرات دشمنان دین از شیاطین انسی و جنی و کفار و مشرکین و ارباب ضلالت و از آفات دینی محفوظ باشم و در ضلالت و گمراهی نیفتم و از خطورات و خیالات نفسانی و علاقه بزخارف دنیوی و از صفات خبیثه و اعمال سیئه مصون باشم.

### (و یاوی من المتشابهات الی حرز معقله)

ایواء پناه بردن است و حرز پناه گاه است و عقال بستن است مثل عقال شتر که پای او را ببندند که بجای دیگر نرود و در قرآن از قول لوط میفرماید قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ هود آیه ۸۲ و مفاد این جمله این است که در امور مشتبه که حق و باطل را نمیشناسند مرا از کسانی قرار ده که پناه ببرد در این گونه امور بقرآن مجید که پناه گاه است و از خطرات و شبهات و از شیاطین انس و جن و از بلیات دنیوی و اخروی حفظ میکند و مرا بخود ببندد که از قرآن جدا نشوم و باین و بآن طرف سرگردان نباشم و از شرور و آفات مصون و محفوظ باشم.

### (اللهم صل علی محمد و آله و اجعلنا ممن یعتم بهبله)

مرجع ضمیر بحبله قرآن است و اعتصام چنگ زدن است که محکم او را بگیرد و قرآن ریسمان محکم الهی است که هر که باو چنگ زند او را میکشد بسوی خدای متعال چنانچه ائمه اطهار هم ریسمان محکم الهی هستند که یکی از القاب امیر المؤمنین جبل اللّه المتین است انسان دو دست دارد باید با یک دست قرآن را بگیرد و با یک دست ائمه هدی را و معنای گرفتن و اعتصام اینست که باید بر طبق دستورات قرآن و فرمایشات ائمه هدی عمل و رفتار کند و این دو ریسمان از هم جدا نمیشوند.

### (و لا یختلجنا الزیغ عن قصار طریقہ)

خلجان خیالات قلبیست و توهمات و زیغ لغزش و کجی راه است یعنی چنان لغزش از طریقی که قرآن نشان میدهد در قلوب ما خطور نکند زیرا طریقی بهتر و بالاتر از قرآن نیست چنانچه میفرماید إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُشِرُّ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا اسراء آیه ۹ و ۱۰.

### یکی از اسامی قرآن فرقان است

که میفرماید تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا فرقان آیه ۱- بمعنی فرق گذارنده بین حق و باطل بین ایمان و کفر بین توحید و شرک بین هدایت و ضلالت بین اطاعت و معصیت بین تقوی و طغیان بین سعادت و شقاوت بین جنت و نار بین عدل و ظلم و غیر اینها و من جمله بین حلال و حرام و حلال اقسامی دارد واجب و مستحب و مباح و مکروه و حرام مراتبی دارد درجه اعلائی آن کفر و شرک و ضلالت و آنچه موجب قساوت قلب و سیاهی آن و خلود در عذاب میشود و پس از آن معاصی کبار که موجب استحقاق عذاب میشود مگر بتوبه یا شفاعت تدارک شود و پس از آن صغار معاصی که وعده عفو داده شده.

(و قرآنا اعربت به عن شرائع احکامک)

قرآنش گفتند چون عین کلماتش از مصدر جلال صادر شده و بنحو قرائت بر قلب مطهر حضرت رسالت توسط روح الامین نازل شده و اعراب بمعنی واضح و روشن بیان شده لذا عرب را گفتند که معرب ما فی الضمیر است مقابل عجم که بمعنی گنگ و لال است و شرایع احکام، احکام وضعیه و تکلیفیه از صحه و بطلان واجب و حرام مستحب و مکروه.

(و کتابا فصلته لعبادك تفصیلا)

## و یکی از اسامی قرآن کتاب است

که میفرماید الم ذلک الکتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین بقره آیه ۱ و مراد مجموع بین الدفتین از باء بسم الله تا سین و الناس که حضرت رسالت تلاوت میفرماید و کتاب وحی کتابت میگردند و ممکن است بگوئیم چون در لوح محفوظ ثبت شده کتابش گفتند که میفرماید بیل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ بروج آیه ۲۱ و ۲۲ و میفرماید إنه لقرآن کریم فی کتاب مکنون لا یمسه إلا المظهرون واقعه آیه ۷۶ الی ۷۸- و تفصیل قرآن شرح و بیان است از برای عباد جن و انس الی یوم القیمه که میفرماید و نزلنا أظیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۲۹۷

و وحیا انزلته علی نبیک محمد صلواتک علیه و آله تنزیلا و جعلته نورا نهتدی من ظلم الضلاله و الجهاله باتباعه و شفاء لمن انصت بفهم التصدیق الی استماعه

علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمة و بشری للمسلمین نحل آیه ۹۱- و میفرماید قد فصلنا الآيات لقوم یعلمون لقوم یفقهون لقوم یدکرون انعام آیه ۹۷ و ۹۸ و ۱۲۶.

و وحیا انزلته علی نبیک محمد صلواتک علیه و آله تنزیلا أوحی القاء بقلب است نظیر الهام ملکی که بائمه الهام میشد و بخواص مؤمنین در مقابل وسوسه شیطان و میفرماید و کذلک أوحینا إلیک روحاً من أمرنا شوری آیه ۵۲- آن هم چه تنزیلی و اما صلوات بر حضرتش میفرماید إن الله و ملائکته یتصلون علی النبئی یا أیها الذین آمنوا صلبوا علیه و سلّموا تسلیماً احزاب آیه ۵۶- و از آن حضرت است فرمود

(من صلی علی مرة لم یبق من ذنوبه ذره)

و البته لازم است ذکر آن در مذهب شیعه.

(و جعلته نورا نهتدی من ظلم الضلاله و الجهاله باتباعه)

هدایت راه نمایی بمقصد است و ضلالت گمراهی و سرگردانی نیست در راه و جهالت ندانسته گی و حیرانی است انسان اگر مقصدی داشته باشد باید طی طریق کند تا بمقصد برسد و این سه نحوه تصور میشود یکی آنکه دانسته راه مستقیم را گرفته و بکمال سهولت طی میکند و بمقصد میرسد دیگر آنکه راه را گم میکند و بر خلاف میروود و هر چه برود از مقصد دورتر میشود که این ضلالت است دیگر آنکه حیران و سرگردان است نمیداند بچه طرف سیر کند البته انسان بدو چیز محتاج است یکی راه نما که راه را بآن نشان دهد و راه را بداند دیگر پس از دانستن راه راه را طی کند تا بمقصد نائل شود خداوند انسان را بلکه جن و انس را خلق فرمود برای عالم آخرت و سعادت ابدی و جنه باقیه

(خلقتم للبقاء لا للفناء)

قرآن مجید چراغ راه است که در راه در دست اندازها چشم ببیند و در هلاکت نیفتد که این مفید علم است و اتباع قرآن و عمل بدستورات آن سیر در راه است و دنیا ظلمت و تاریکیست هوی و هوس و ذخارف اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۲۹۸ و میزان قسط لا یحیف عن الحق لسانه و نور هدی لا یطفأ عن الشاهدین برهانه و علم نجاه لا یضل عن ام قصد سننه و لا تنال ایدی الهلکات من تعلق بعروه عصمه

دنیوی و جاه و جلال لذا میفرماید

(و جعلته نورا نهتدی من ظلم الضلالت و الجهاله باتباعه).

(و شفاء لمن انصب بفهم التصدیق الی استماعه)

امراض قلبیه بسیار است کفر و شرک صفات خبیثه اخلاق رذیله اعمال سیئه باید نزد طیب رفت طیب ارواح و جور مقدس رسول راهنما است و نسخه او قرآن مجید است که حتی مرده روح را زنده میکند چنانچه میفرماید یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ انفال آیه ۲۴- و نیز میفرماید:

يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ يونس آیه ۵۷ انصاف گوش دادن و توجه نمودن است و فهمیدن و قبول کردن و تصدیق نمودن است و استماع بر طبقتش رفتار کردن و عمل نمودن چنانچه می‌گویی فلانی حرف شنو است یعنی هر چه بگویی عمل میکند و انجام میدهد.  
(و میزان قسط لا یحیف عن الحق لسانه)

میزان ما یوازن به الشیء است مثل ترازو و قپان که سنگینی و سبکی چیزها را معین میکند و قسط عدل است که بعدل نشان میدهد بر خلاف حق نیست و لسان میزان آن زبان ترازوست که اگر مستقیم ایستاد حق است و اگر کج شد یا بطرف افراط یا تفریط خلاف عدل است باید کلیه عقائد و اخلاق و اعمال را بر قرآن عرضه داشت اگر مطابق است حق و عدل است و قسط اگر بر خلاف او است افراط یا تفریط است و یکی از مواقف قیامت میزان عدل است که میفرماید وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ انبیاء آیه ۴۸- و میفرماید فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ القارعه آیه ۵ و ۶.  
(و نور هدی لا یطفأ عن الشاهدین برهانه)

اما نور هدایت بیان شد در جملات قبل و اما عدم اطفأ که خاموش شدنی نیست تا قیامت که میفرماید إِنَّا نَخْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ أُطِيبَ البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۲۹۹  
اللهم فاذا فدتنا المعونه على تلاوته و سهلت جواسی السننا بحسن عبارته فاجعلنا ممن یرعاه حق رعايته و یدین لك باعتقاد التسليم لمحکم آیاته.

وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ حجر آیه ۹ بلکه روز بروز آثارش و نورانیتش و حقایقش روشن تر میشود.  
(و علم نجاه لا یضل من ام قصد سنته)

چنانچه در حدیث ثقلین دارد که فرمود

(انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی لن یفترقا حتی یردا علی الحوض ما ان تمسکتکم بهما لن تضلوا ابدا)  
و قصد سنت عمل بدستورات او است.

(و لا تنال ایدی الهلکات من تعلق بعروه عصمته)

یادی الهلکات شبهات و اشکالات کفار و ضالین و بعض مفسرین است که اگر انسان آشنا باشد بحقایق قرآن دفع تمام این شبهات را میکند عروه الوثقی الهیست.  
(اللهم فاذا فدتنا المعونه على تلاوته)

افاده اعطاء و بخشش است که خداوند تفضل میفرماید بدون استحقاق و معونه کمک است بتوفیق بر تلاوت آن بالاخص بر ختم آن من اوله الی آخره و امر اکید فرموده بر قرائت آن چنانچه میفرماید فَأَقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ الی قوله تعالی فَأَقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنْهُ الایه مزمل آیه ۲۰- و تلاوت با قرائت فرق دارد نسبت بین آنها عام و خاص است تلاوت قرائت است با توجه بمعانی و مقاصد آن که زبان فکر قلب باشد و قرائت اعم است لذا در بسیاری از آیات قرآن قریب پنج آیه امر شده به پیغمبر اکرم بتلاوت مثل وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ الایه کهف آیه ۱۸- و غیر این از آیات.

(و سهلت جواسی السننا بحسن عبارته)

سهل بمعنی آسانست که خداوند سهل و آسان فرمود و جواسی کنندی زبان است که سختی بیان مقاصد خود را میکند و قرآن

مجید برای حسن عبارت و فصاحت و بلاغتش آسان میکند قرائت آن را که انسان هر چه تلاوت کند خسته نمیشود و رغبت میکند بازدید آن بخلاف سایر کتب که انسان را خسته میکند مثل قرآن مثل اطعمه بهشتی است که سیرایی ندارد بخلاف اغذیه دنیوی که باندک خوراک سیر میشود مگر مثل معاویه باشد که گفت اُطِيبَ الْبَيَانَ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، ج ۱۴، ص: ۳۰۰  
و يفزع الى الاقرار بمتشابهة و موضحات بيناته اللهم انك انزلته على نبيك محمد صلى الله عليه و آله مجملا.  
(ملات و ما شبع) و ضرب المثل شد (و صاحب لی بطنه كالهويه كان في امعائه معاوية) اشاره بآیه شریفه است که میفرماید يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ق آیه ۲۹.  
(فاجعلنا ممن يرعاه حق رعايته)

رعایت حفظ و نگهداریست و نگهداری قرآن عمل بدستورات آن و احترام آن و تلاوت آن است و حرام است تنجس آن و واجب است تطهیر آن و بر محدث حدث اکبر یا اصغر حرام است پس کتابه آن و تلاوت سوره عزائم آن و سایر احترامات و حق رعایت عمل بجمیع دستورات او است بر فحوص و عزائم آن و اعتراف و اقرار و اعتقاد بجمیع آن و تخلق بجمیع اخلاقیات آن (و یدین لك باعتقاد التسليم لمحكم آیاته)

آیات قرآنی بر حسب دلالت اقسامی دارد یک قسم نصوص قرآن است که واجب است اعتقاد و تسلیم له و این محکمت آیات است و انکار یکی از آنها موجب کفر و ارتداد میشود و یک قسم ظواهر آن است که حجت است پس از فحوص از مخصصات و مقیدات و قرائن مجازیة متصله و منفصله داخلیه و خارجیه لفظیه و عقلیه.  
(و يفزع الى الاقرار بمتشابهة)

و یک قسم متشابهات قرآن است که معنی و مراد معلوم نیست و جز خدا و رسول و ائمه اطهار علم بتأویل و مراد آن ندارند که میفرماید هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ الایة آل عمران آیه ۵ فقط واجب است اقرار بآنها.  
(و موضحات بیناته)

و بآنچه بیانش واضح است و توضیح شده.

(اللهم انك انزلته على نبيك محمد صلى الله عليه و آله مجملا)

نازل فرمودن بر حضرت رسالت شرحش گذشت و مکرر در تفسیر بیان شده اما مجمل بودن قرآن

اُطِيبَ الْبَيَانَ فِي تَفْسِيرِ الْقُرْآنِ، ج ۱۴، ص: ۳۰۱

و ألهمته علم عجائبه مكملا و ورثتنا علمه مفسرا و فضلنا على من جهل علمه و قويتنا غلبه لترفعنا فوق من لم يطق حمله.

برای این است که حکمت‌هایی دارد که خداوند تفصیل نداده یکی آنکه تفصیلش از فصاحت و بلاغت خارج میشود مگر آنکه برساند که احتیاج بهمین مثل حضرت رسالت و ائمه طاهرین دارید مثلا در قرآن میفرماید آمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ اما ایمان بچه چیز محقق میشود و در باب توحید و عدل و نبوت و امامت و معاد و خصوصیات هر یک و بضروریات دین و مذهب و عدم بدعت و سایر اموری که مدخلیه در ایمان دارد باید این خاندان معین کنند یا میفرماید أَقِيمُوا الصَّلَاةَ اما اقسام صلوات و اجزاء آنها و شرائط آنها و مبطلات آنها و عوارض آنها را مثل شك و سهو و نسیان و غیر اینها را باید آنها بیان فرمایند و کتب اخبار و کتب فقه علماء و اصحاب ضبط کنند و بنویسند و مجتهدین فتوی دهند و مقلدین تقلید کنند و همین نحو مسئله زکاه و صوم و حج و جهاد و حدود و دیات و هدایا و وصایا و سایر احکام شرعیه بسیار تعجب است از آنکه گفت (حسبنا کتاب الله) و آن خبیثی که بر رد شیعه گفت که اینها خبری که از ناحیه مقدسه رسیده که فرمود (الكافی کافی لشیعتنا) را قبول میکنند و قول حسبنا کتاب الله را رد میکنند و دیگر از حکمت‌های اجمال اینکه اگر مبین فرموده بود منافقین را و اشخاص آنها را رد میکردند و از صورت اسلامی هم خارج

میشدند و حکم دیگر.

و ألهمته علم عجائبه مکملا و الهام پیغمبر (ص) رساندن و فهمانیدن و تعلیم است و عجائب قرآن بواطن قرآن که در حدیث دارد له ظهر و بطن چنانچه انسان هم ظاهری دارد و هم باطنی چه بسا ظاهر مسلمان مؤمن متقی و باطن کافر و مخالف و عاصی ظاهر عادل باطن فاسق ظاهر متواضع باطن متکبر ظاهر دوست باطن دشمن و هکذا و بسا بالعکس و احدی خبر از باطن قرآن ندارد جز پیغمبر (ص) که میفرماید لا يعرف القرآن الا من خوطب به و مکمل یعنی بالتمام که عالم بجمیع بواطن قرآن است که بسا هفتاد بطن دارد و زیر هفتاد پرده است. أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۰۲

اللهم فکما جعلت قلوبنا له حمله و عرفتنا برحمتک شرفه و فضله فصل علی محمد الخطیب به و علی آله الخزان له و ورثنا علمه مفسرا

این جمله بتمام معنی خاص بائمه هدی است که از پیغمبر (ص) بمیراث بآنها سپرده شده بلکه علم ما کان و ما یکون و جزو ودایع امامت است که از امیر المؤمنین (ع) است فرمود  
لو کشف الغطاء ما ازددت یقینا

و یک قسمت از بواطن قرآن از این خاندان باصحاب رسیده و بعلماء دین و شیعیان بقدر استعداد آنها در تحمل آن و پس از ظهور حضرت بقیه الله بسیاری از این بواطن مکشوف میشود.  
و فضلنا علی من جهله علمه.

اما تفضیل ائمه هدی بر تمام جن و انس و ملک حتی بر انبیاء سلف که چه بسیار از بواطن قرآن بر انبیاء و ملائکه هم پنهان و مخفیست و اما تفضیل علماء به جهال هم واضح و روشن است که فرمود  
فضل العالم علی الجاهل کفضلی علی ادناکم  
و فرمود

علماء امتی کانبیاء بنی اسرائیل

و فرمود

عالم ینتفع بعلمه افضل من سبعین الف عابد

و فرمود

مداد العلماء افضل من دماء الشهداء

و فرمود

العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء

و اما فضل مؤمن بر کافر و مخالف و معاند همین بس است که مؤمن اهل بهشت است و لو آلوده بمعاصی باشد بشفاعت شفعا و عفو الهی و مغفوره او و سایر اسباب نجات و غیر مؤمن مقصر آن خلود در عذاب و قاصر آن محروم از بهشت.

و قویتنا علیه لترفعنا فوق من لم یطق حمله در حمل علم قرآن دو چیز لازم دارد یکی قابلیت محل دیگر تقویت الهی که خداوند چه قوه بخاندان عصمت داده که حتی جبرئیل امین طاقت تحمل آن را ندارد که فرمود روح القدس فی الجنان الصاغوره ذاق من حدائقنا الباغوره و گفت در لیله المعراج عند سدره المنتهی

لو دنوت انمله لاحترقت

و چون خلق شد خطاب رسید من انا و من انت نتواند جواب دهد نور امیر المؤمنین ظاهر شد و فرمود که انت الرب الجلیل و انا العبد

الدلیل أطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص: ۳۰۳

اللهم فکما جعلت قلوبنا له حمله

حمل قلوب حفظ قرآن است که تمام صفحه قرآن در سینه ثبت شده و نوع مسلمین تا اندازه‌ای کم و بیش حافظ بعضی سوره و آیات هستند و بسیاری حافظ تمام قرآن بودند از مسلمین چه رسد بائمه طاهرین علیهم السلام که علاوه از حفظ قرآن میدانستند هر سوره و آیه چه موقع نازل شده و در شأن کی وارد شده و برای چه نازل شده و میتوان گفت که تمام مسلمین مصداق این جمله هستند زیرا قرآن اطلاق بر هر یک سوره و یک آیه هم میشود و او حامل قرآن هست و لو درجات مختلف است لکن حمل مسلمین قرآن را نباید مثل حمل یهود باشد توریه را که میفرماید مَثَلُ الَّذِينَ حُمِلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِاللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ جمعه آیه ۵ و امروز مصداق این آیه در جامعه مسلمین بسیار است بلکه از زمان حضرت رسالت الی کنون چه اندازه احکام قرآن را کنار گذاردند که میفرماید وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا فرقان آیه ۳۲ و عرفتنا برحمتک شرفه و فضله اما شرافت قرآن همین بس که عین کلماتش از ناحیه حق تبارک و تعالی صادر شده و بطریق اعجاز می باشد که میفرماید قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كَانِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا اسراء آیه ۹۰ بلکه ده سوره آن را که میفرماید قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِثْلِهِ الْاِیْه هود آیه ۱۵ بلکه یک سوره که میفرماید وَ إِنْ كُنْتُمْ فِی رَیْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَی عِبْدِنَا فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِثْلِهِ وَ ادْعُوا شُهَدَاءَ كُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِیْنَ بقره آیه ۲۱ و میفرماید إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِیْمٌ فِی كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَا- یَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ تَنْزِیْلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ واقعه آیه ۷ الی ۷۹ و اما فضل، قرآن افضل کتب سماوی به افضل انبیاء و المرسلین به افضل امم سالفه باطیب بیان و بودن احد ثقلین.

فصل علی محمد الخطیب به و علی آله الخزان له خطیب کسی را گویند که یک جمله مفید فوایدی را بیان کند برای مستمعین و خطباء عالم بسیار بودند و خطبه های امیر المؤمنین بسیار است در نهج البلاغه و غیر آن و بهترین و بالاترین خطبه ها اَطِیْبُ الْبِیَانِ فِی تَفْسِیْرِ الْقُرْآنِ، ج ۱۴، ص: ۳۰۴

و اجعلنا ممن یعرف بانه من عندک حتی لا یعارضنا الشک فی تصدیقه و لا یختلجنا الزیغ عن قصد طریقه.

قرآن مجید که جامع جمیع فواید دنیوی و اخرویست و خطیب آن محمد (ص) است و خزان جمع خازن است یعنی خزینه دار و خزینه عبارت از ظرفیست که در او اشیاء نفیسه میگذارند مثل جواهرات و طلا و نقره و درهم و دینار و اگر در زیر زمین پنهان کنند کنزش میگویند و بزبان ما گنج مینامند و خداوند مذمت میفرماید کسانی را که ذهب و فضه و درهم و دینار را کتر میکند و حقوق الهی را مثل زکاء و خمس و سایر آنها را نمیدهند و بخل میکنند که میفرماید وَالَّذِیْنَ یُکْتَبُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا یُنْفِقُوهَا فِی سَبِیْلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِیْمٍ یَوْمَ یُحْمَىٰ عَلَیْهَا فِی نَارٍ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَ جُنُوبُهُمْ وَ ظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كُنْتُمْ لَأَنْفُسِکُمْ فَذُقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْتَبُونَ توبه آیه ۳۵ و ۳۶ و خزینه قرآن و علم قرآن و علم الهی قلوب مطهره ائمه هدی است و خازن آنها ائمه هستند چنانچه در زیارت آنها دارد حمله کتابه و خزان علمه چنانچه خزینه علم باحکام قلوب علما است و مفتاح و کلید آن سؤال است که چون سؤال کنند و طلب علم کنند درب خزینه که لسان علما است باز میشود هر قدر بخواهند بهره برداری میکنند.

و اجعلنا ممن یعرف بانه من عندک حتی لا یعارضنا الشک فی تصدیقه در باب اصول خمس دین توحید، عدل، نبوت، امامت، معاد در قسمت نبوت بعد از اعتقاد بوجود انبیاء و برسالت حضرت خاتم علاوه از اموری که در حق انبیاء معتقد باید باشیم و شئون آنها باید چهار امر در رسالت حضرت رسول معتقد باشیم که اگر یکی از آنها را منکر شویم از اسلام خارج میشویم یا شک کنیم، یکی افضلیت حضرت بر تمام انبیاء و رسل و ملائکه و جمیع مخلوقات دویم خاتمیت که دینش باقیست تا قیامت و پیغمبری بعد از او نخواهد آمد سیم معراج آن حضرت که با همین بدن عنصری رفت تا قاب قوسین او ادنی فاوحی الیه ما اوحی. چهارم این قرآن مجید از باء بسم الله تا سین و الناس از مصدر جلال ربوبی صادر شد. اَطِیْبُ الْبِیَانِ فِی تَفْسِیْرِ الْقُرْآنِ، ج ۱۴، ص: ۳۰۵

اللهم صل علی محمد و آله و اجعلنا ممن یعتمد بحبله و یأوی من المتشابهات الی حرز معقله و یسکن فی ظل جناحه.

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه  
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶  
 وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:  
[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی  
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل  
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق  
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۰۶۰۹  
 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده  
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار  
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،  
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی  
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از  
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال،  
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی  
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش  
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند  
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

